



الزّامات قوّت در فضای
مجازی از دیدگاه اسلام

سرشناسه	: حسنی، ابوالحسن، ۱۳۴۸-
عنوان و نام پدیدآور	: الزامات قوت در فضای مجازی از دیدگاه اسلام / پدیدآورندگان ابوالحسن حسنی، رضا حاج حسینی، محمد اسماعیل حسنی؛ تهیه شده در دفتر مطالعات اسلامی و ارتباطات حوزوی مرکز ملی فضای مجازی.
مشخصات نشر	: تهران: پژوهشگاه فضای مجازی، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۶۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۹۸۸-۲-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۶۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: فضای مجازی -- جنبه‌های سیاسی Cyberspace -- Political aspects اینترنت -- جنبه‌های سیاسی Internet -- Political aspects
	: قدرت (علوم اجتماعی) -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام Power (Social sciences) -- Religious aspects -- Islam فضای مجازی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام Cyberspace -- Religious aspects -- Islam
شناسه افزوده	: حاج حسینی، رضا، ۱۳۶۴-
شناسه افزوده	: حسنی، محمد اسماعیل، ۱۳۶۷-
شناسه افزوده	: پژوهشگاه فضای مجازی، انتشارات
شناسه افزوده	: دفتر مطالعات اسلامی و ارتباطات حوزوی
رده بندی کنگره	: HM۸۵۱
رده بندی دیویی	: ۳۰۳/۴۸۳۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۶۶۵۸۰۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا

عنوان: الزامات قوت در فضای مجازی از دیدگاه اسلام
پدیدآورندگان: ابوالحسن حسنی - رضا حاج حسینی - محمد اسماعیل حسنی
طراح جلد: سید مصطفی شفیعی
صفحه آرا: مجید انجیرانی
انتشارات: پژوهشگاه فضای مجازی
سال و شماره: ۱۴۰۱/۰۱۵
شمارگان:
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۹۸۸-۲-۶
قیمت:

حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مرکز ملی فضای مجازی است و استفاده از مطالب آن صرفاً با ذکر مأخذ بلامانع است.

محتوای انتشار یافته در این اثر، الزاماً بیانگر دیدگاه مرکز ملی فضای مجازی نمی باشد.

فهرست

سخن نخست.....	۶
چکیده	۸
مقدمه	۹
مفهوم‌شناسی قوّت	۱۱
قدرت و قوّت در قرآن کریم.....	۱۱
مفهوم قوّت	۱۴
ماهیت قوّت در فضای مجازی.....	۱۹
منشأ نیاز به قوّت در فضای مجازی	۲۰
هدف قوّت در فضای مجازی	۲۵
موضوع قوّت در فضای مجازی	۲۷
منبع قوّت.....	۳۱
الزامات قوّت اسلامی در فضای مجازی.....	۳۳
(۱) ساختارمندی	۳۳
(۲) لحاظ ولایت و امامت به‌عنوان قدرت برای مردم.....	۳۴
(۳) حکمت مبنایی.....	۳۷
(۴) استقلال از بیگانگان (کافران و منافقان).....	۳۹
(۵) قانون‌مندی پنهان و استفاده حداقلی از زور (عدم اجبار)	۴۲
(۶) انعطاف و پویایی	۴۳
(۷) تاکید بر دانش و فناوری.....	۴۴
(۸) اشراف اطلاعاتی.....	۴۸
(۹) ایجاد عمق استراتژیک (فرامرزی)	۴۹
(۱۰) معنویت‌گرایی (استفاده از نیروهای مومن و متعهد)	۵۳
(۱۱) ایجاد اتحاد اسلامی.....	۵۴
(۱۲) ارتقاء کمی و کیفی نیروی انسانی.....	۵۵
نتیجه‌گیری	۶۳
منابع و مأخذ.....	۶۴

سخن نخست

فضای مجازی زیست بومی است که همزمان با توسعه فزاینده خود، اندیشه حاکم و فرهنگ ممزوج با آن را نیز منتشر می‌کند. جریان تولید اندیشه و پویایی‌های تمدنی حاصل از فضای مجازی، بر کاربر غلبه پیدا می‌کند و می‌تواند هویت او را متحول، متکامل یا متزلزل کند.

لکن از منظری دیگر، فضای مجازی موانع فضای واقعی را در ابلاغ جهانی پیام وحی کاهش داده و بدلیل تنوع نمادهای آن، در اشکال مختلف تصویری، پویانمایی، آواتارها و موارد مشابه از قاصریت بیان کلامی و نوشتاری کاسته و فرصت کم نظیری در تبلیغ دین و پردازش کلام وحی در تکامل ادراکی انسان‌ها فراهم کرده است.

بدیهی است در مواجهه فعالانه و فرصت‌محور با چنین پدیده‌ای، آنچه که اولویت پیدا می‌کند، اندیشه حاکم بر آن است. اندیشه‌ای که علاوه بر وحیانی بودن، سعادت دنیا و آخرت انسان را مد نظر داشته و جزء جزء حرکت انسان را در راستای غایتی بزرگ و روحانی برنامه‌ریزی نماید. اندیشه‌ای که به فضای مجازی تعالی بخشیده و ایده‌های ناب برای تولید فضای مجازی پیشرفته، سالم و مفید داشته باشد. این اندیشه که جز در اسلام و آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام قابل جستجو نیست، دقیقاً نقطه قوت و دست برتر حکومت اسلامی در ارائه فضای مجازی مطلوب به مسلمانان و مستضعفان جهان است.

مرکز ملی فضای مجازی با عنایت به اهمیت این مسئله، «دفتر مطالعات اسلامی و ارتباطات حوزوی» را که وابسته به پژوهشگاه فضای مجازی می‌باشد، در شهر مقدس قم راه‌اندازی کرده و در تلاش است تا از این طریق بتواند اندیشمندان و عالمان دینی را در فرآیند تصمیم‌گیری‌های کلان در حوزه فضای مجازی دخالت داده و زمینه را برای ورود نظامند حوزه به عرصه‌های سیاستگذاری نظام فراهم آورد.

یکی از اقدامات دفتر مطالعات اسلامی از بدو شکل‌گیری تاکنون، تدوین گزارش‌های علمی در زمینه مطالعات اسلامی فضای مجازی است. این گزارش‌ها تلاش می‌کنند تا از یکسو، بستری برای آشنایی هرچه بیشتر فضلاء و اندیشمندان حوزوی با پدیده‌ها و اقتضائات عصر فضای مجازی و تأثیرات آن بر ساحت‌های مختلف حیات انسانی فراهم نموده و از سوی دیگر مسئولین و سیاستگذاران فضای مجازی کشور را با ابعاد دینی پدیده‌های دنیای مجازی آشنا ساخته و آن‌ها را در مسیر سیاستگذاری مبتنی بر فقه و شریعت یاری رسانند.

سید ابوالحسن فیروزآبادی

دبیر شورای عالی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی

چکیده

فضای مجازی با توجه به ظرفیت‌هایی که دارد، می‌تواند هم منبع تهدید باشد و هم ابزار قوت. با توجه به نفوذ این فناوری در زندگی انسان امروز، هرکس بتواند در این فضای قوی‌تر ظاهر شود، در دنیای واقعی نیز قوت بیشتری خواهد داشت؛ اما این قوت چه معنایی دارد؟ چه مؤلفه‌های دارد؟ و با چه اسبابی به دست می‌آید؟ این‌ها پرسش‌هایی است که این مقاله به آن‌ها پرداخته است و نویسندگان تلاش کرده‌اند با رویکردی عقلانی و حیانی به آن پاسخ دهند. موضوع قوت از نگاه عقلانی و حیانی، تغییر شخصیت‌هاست، نه تحمیل اراده، و با توجه به هدفی که این رویکرد دارد، این تغییر باید با اراده و آگاهی انسان‌ها همراه باشد. با توجه به ویژگی‌های فضای مجازی، این قوت در فضای مجازی با مجموعه‌ای از الزامات همراه است و اسباب ویژه خود را نیز لازم دارد.

فضای مجازی، جهانی جدید است و در این جهان جدید، مفاهیم عالم انسانی بازتعریف می‌شوند. یکی از این مفاهیم، مفهوم «قدرت» است. قدرت از مفاهیم اساسی در جهان سیاست است و البته در سیاست مدرن، مفهوم محوری شناخته می‌شود؛ با این حال، این مفهوم به شدت ایدئولوژیک بوده و تعریف آن به منظرهای مختلف بستگی دارد. در سال‌های اخیر با شناخت انواع جدید قدرت، مانند قدرت نرم و قدرت هوشمند، آشفتگی در تعریف آن بیشتر شده است. با توجه به این نکته‌ها، مفهوم قوت به قدرتی اشاره دارد که در چارچوب نگاه عقلانی و حیانی تعریف می‌شود و متناسب با ویژگی‌های عصر جدید است. این مفهوم از اشاره ویژه امام خامنه‌ای علیه السلام گرفته شده است: «امروز قوت در فضای مجازی، حیاتی است»^۱. فضای مجازی، از سویی منشأ تهدیدهای بسیار است و از سوی دیگر، زمینه‌ساز فرصت‌هایی عالی. این فضا ظرفیت فعالیت‌هایی را دارد که تا پیش از آن، حتی رؤیای آن نیز دیده نمی‌شد. امروزه هر دولتی بتواند در فضای مجازی با قوت و قدرت بالاتر ظاهر شود، در فضای واقعی قوت و قدرت بالاتری خواهد داشت. با توجه به این نکته می‌توان گفت مقاله حاضر به دنبال تبیین ماهیت «قوت در فضای مجازی» و ارائه شناختی اجمالی از اسباب نرم و سخت آن است؛ مسئله‌ای که در جهان امروز از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. به عبارت دیگر، این مقاله پی تبیین نکات اولیه در باب قوت در فضای مجازی است و یافته‌های آن می‌تواند در جهت دهی به پژوهش‌های تخصصی‌تر مؤثر باشد و مسائل متنوعی را در این عرصه به پژوهشگران معرفی کند. به دیگر سخن، هدف بنیادی مقاله حاضر، تبیین چارچوب‌های عقلانی و حیانی برای قوت در فضای مجازی و هدف عملیاتی آن، ارائه مسیر حرکت برای پژوهش‌های آینده در این خصوص است.

این مقاله را در سه بخش تنظیم کرده‌ایم. در بخش اول به مفهوم‌شناسی قوت می‌پردازیم. در این بخش ابتدا مفهوم قوت را در قرآن کریم بررسی خواهیم کرد و سپس با توجه به جایگاه این مفهوم در فضای سیاسی، مفهوم قرآنی قوت را بر فضای سیاسی تطبیق خواهیم داد. بخش دوم درخصوص ماهیت قوت در فضای مجازی است. در این بخش نگاه فلسفی مان قوی‌تر از بخش اول بوده، به بررسی ماهیت قوت با توجه به ابعاد مختلف آن، یعنی منشأ نیاز به قوت و مبدأ آن، موضوع قوت، و منبع قوت می‌پردازیم. بخش سوم را به الزامات تحلیلی قوت اسلامی در فضای مجازی اختصاص داده‌ایم.

مفهوم شناسی قوّت

در فضای سیاسی چند مفهوم قدرت، زور، اقتدار و نفوذ، از مفاهیم اساسی بیشتر شناخته شده به شمار می‌آید، ولی در اینجا از تعریف این مفاهیم از منظر اندیشمندان سیاسی پرهیز کرده، به یکی دیگر از مفاهیمی که در این خانواده قرار دارد، توجه می‌کنیم: مفهوم قوّت و نیرو. این مفهوم در اندیشه‌های سیاسی چندان مورد توجه قرار نگرفته و احتمالاً بیشترین استعمال آن در ادبیات مقام معظم رهبری بوده است.

قدرت و قوّت در قرآن کریم

در قرآن کریم دو ماده «ق در» و «ق و ی» برای افاده معنای قدرت حقیقی به کار رفته است. قدرت در معنای وصفی بر حق تعالی به صور گوناگون اسناد داده شده است: «قُلْ إِنْ اللَّهُ قَادِرٌ» (انعام: ۳۷) یا «وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا» (کهف: ۴۵)، ولی این معنا جز بر حق تعالی اسناد داده نشده و بلکه در مواردی نیز از غیر خدا نفی شده است؛ اما قوّت، هم برای حق تعالی ثابت گشته و هم برای غیر او: «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (بقره: ۱۶۵) یا «إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرََتِ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص: ۲۶).

از آنجاکه وصف قادر و قدیر در قرآن کریم تنها برای خداوند به کار رفته است، براساس مبانی حکمی می‌توان «إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ» را ضروری به ضرورت ازلیه دانست که بیان می‌کند الله بدون نیاز به حیثیت تعلیلیه و تقییدیه، بالذات واجد قدرت است و این قدرت آمیخته با هیچ عرضی نبوده، واجد تمام کمالات و شئون قدرت می‌باشد؛ اما ماده «ق و ی» برای دیگر مصادیق مفهوم فلسفی قدرت به کار رفته است. در دو آیه «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (بقره: ۱۶۵) و «إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ» (هود: ۶۶) قوتی که به حق تعالی نسبت

داده می‌شود، فرد منبسط^۱ قدرت فلسفی است. این قوت، رقیقه فرد بالذات قدرت و از صفات فعلیه است. فعلیه بودن صفت قوت از نحوه اضافه «القوة» به «الله» روشن است. اگر قوت صفت ذاتی بود، با «ل» به الله اضافه نمی‌شد، بلکه به نحو بسیط بر آن حمل می‌گردید. همچنین از آیه «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» (بقره: ۱۶۵) و نیز آیه «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (کهف: ۳۹) سعه قوت الهی بر قوت‌های دیگر به روشنی استنباط می‌شود که بیانگر فرد منبسط بودن آن است.

عذاب فرعونیان با اسم «القوی» بوده است:

كُتِبَ آلَ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ (انفال: ۵۲).

مانند شیوه فرعونیان و کسانی که پیش از آنان بودند، به آیات خدا کفر ورزیدند. پس خدا آنان را به دلیل گناهانشان گرفت؛ همانا خدا قوی‌ای با عقاب شدید است.

نصرت ناصران خدا با اسم «القوی» است:

لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (حج: ۴۰).

به حتم خدا کسانی را که او را یاری کنند، یاری می‌کند؛ که خداوند البته قوی عزیز است.

نجات مؤمنان با اسم «القوی» است:

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ (هود: ۶۶).

پس هنگامی که امر (عذاب) ما آمد، صالح و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، با رحمتی از سوی خود و از رسوایی آن روز نجات دادیم؛ که همانا پروردگار تو قوی عزیز است.

۱- فرد منبسط، یک مفهوم مصداقی است که اتفافش به آن، فقط نیازمند حیثیت تعلیلیه بوده، از حیثیت تقییدیه بی‌نیاز است (نک: حسینی، حکمت سیاسی متعالیه، ص ۸۰).

پیروزی دادن به مؤمنان و شکست کافران با اسم «القوی» است:

وَرَدَ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ
الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا (احزاب: ۲۵).

و خدا کسانی را که کفر ورزیده بودند، با غیظشان برگرداند،
درحالی که به خیری دست نیافته باشند و خداوند در جنگ
مؤمنان را بسنده است و خداوند قوی ای عزیز است.

در قرآن کریم مفهوم «قوت» برای غیرخداوند نیز به کار رفته است:

يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ (مریم: ۱۲).

ای یحیی! کتاب را با قوت بگیر.

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ
(قصص: ۲۶).

یکی از آن دو گفت: ای پدر! او را اجیر کن که بهترین کسی که
می توانی اجیر بگیری، فردی است که قوی امین باشد.

البته به کارگیری قوت در قرآن کریم تنها در معنای مثبت نیست، بلکه در معنای
منفی نیز به کار رفته است:

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ
كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا
يَكْسِبُونَ (غافر: ۸۲)

آیا در زمین نگشته اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنان
بودند چگونه بوده است؟ [آنها به مراتب از حیث تعداد،] بیشتر
از آنان، و [از حیث] نیرو و آثار در روی زمین، استوارتر بودند،
و [لی] آنچه به دست می آوردند، به حالشان سودی نبخشید.

مفهوم قوت

بیشتر کاربردهای مفهوم قوت در زبان فارسی، در برابر ضعف است. در زبان عربی مفهوم مقابل ضعف، شدت است و قوت به عنوان عامل ایجاد و تغییر حرکت، می‌تواند شدید یا ضعیف باشد. این مفهوم با مفهوم قدرت در برابر عجز، زور و قهر در یک خانواده معنایی است. مفهوم کلی قوت یا نیرو، عبارت است از عاملی که بتواند به حرکت شتاب دهد، آن را کند یا تند کند یا جهت آن را تغییر دهد. در فضای حیات انسانی نیز همین معنا جریان دارد. در این فضا، قوت عاملی است که بتواند به حرکت‌های ایجادشده در حیات انسانی شتاب دهد، آن‌ها را کند یا تند کند یا جهت آن‌ها را تغییر دهد.

این معنا هم با معنای لغوی و هم با کاربرد واژه قوت در عبارات مقام معظم رهبری سازگار است:

انسان نیرومندتر از این حرف‌هاست و می‌تواند کارهای نشدنی را شدنی کند. تا آنجا که می‌توانید، باید با قوت اراده و تصمیم، نظم و انضباط و آموزش و پشتیبانی و کیفیت تجهیزات و ابزارتان را بالا ببرید (۱۸ خرداد ۱۳۶۸).

شعار محو غده سرطانی اسرائیل که از سوی امام عظیم‌الشأن و قائد کبیر اسلام، امام خمینی رضوان الله علیه مطرح شد، علی‌رغم میل سازشکاران سیاست‌باز، باید با قوت و شدت مطرح شود و به صدای عمومی مسلمین در حج تبدیل گردد (۷ تیر ۱۳۶۹).

مجموع این فشارها، نه فقط جمهوری اسلامی را از پا درنیآورد، بلکه ملت ایران را قوی‌تر و آگاه‌تر، و عزم و اراده آن‌ها را اسخ‌تر کرد و جمهوری اسلامی را روزه‌روز به سمت قوت اسلامی و الهی

پیش‌تر برد. ایستادگی در میدان دفاع، چنین اثری را به وجود آورد
(۲۳ شهریور ۱۳۸۶).

بنابراین، در این فضا اراده، رکن قوت است و می‌توان قوت را به توانایی اعمال اراده برای هدایت حرکت‌های انسانی در مراتب مختلف مؤلفه‌های شخصیت و منش انسانی جریان دارد: بینش، گرایش، توانش و کنش. هدایت حرکت‌ها در مرتبه کنش‌ها، نیازمند به‌کارگیری حداکثری زور است و در این مرتبه عملاً قوت به زور تقلیل می‌یابد، اما هدایت حرکت در مراتب دیگر، نیازمند نفوذ در جان‌ها و هدایت شناختی و گرایش افراد است و این قوت برتر است.

درباره چهار مفهوم بینش، گرایش، توانش و کنش توضیح بیشتری لازم است. بینش عبارت از توانایی دیدن محیط در گذر زمان است (گذشته، حال و آینده). این توانایی به‌شدت به اموری چون مکتب و محیط اجتماعی فرد وابسته است؛ زیرا مکاتب متنوع، تعریف‌های مختلفی از حقیقت انسانی ارائه می‌کنند. برای نمونه، مکتبی برای هستی انسانی بُعدی تعریف می‌کند که مکتب دیگر آن را منکر می‌شود. مثلاً در اغلب مکاتب انسان‌شناسی غربی، روح انسان، یا انکار گشته یا نادیده انگاشته شده است؛ درحالی‌که در انسان‌شناسی دینی و نیز در برخی نظام‌های فلسفی، روح اساس انسانیت به‌شمار می‌رود. روشن است که وقتی مکتبی روح را در هستی انسانی نبیند، نیاز وابسته به آن را نیز نخواهد دید و مکتبی که روح را ببیند، نیازهای مربوط به آن را خواهد دید. از این روست که ابوترابی در نقد بسیاری از ملاک‌های بهنجاری در نظریه‌های روان‌شناسی غربی، به عدم توجه آن‌ها به روح انسانی یا نقش خداوند و عقیده به آن در زندگی انسان اشاره می‌کند^۱

۱- ابوترابی، نقد ملاک‌های بهنجاری در روان‌شناسی یا نگرش به منابع اسلامی، ص ۱۵۷-۲۴۱.

یا شولتز و همکارش برآن اند که «جنبه مهم هر نظریه پرداز شخصیتی، برداشت او از ماهیت انسان است».^۱

گرایش، مجموعه امیال انسانی است که منشأ آن می تواند فطرت، غریزه یا اجتماع باشد و غالباً ترکیبی پیچیده از این سه است. مراد از توانش، رابطه ای با محیط است که به فرد فرصت انجام عملی را می دهد که او از میان اعمال مختلف انتخاب کرده است. توانش در تعامل محیط و فرد ایجاد می شود و هیچ یک به تنهایی نمی توانند در ایجاد آن نقش اساسی داشته باشند.

مفهوم کنش، مفهومی پیچیده است؛ با وجود اینکه در آغاز مفهومی ساده دیده می شود. کنش در نظامی پیچیده از اعتبارات اجتماعی تعریف می شود و تحلیل آن با ذکر مثال بهتر قابل درک است. گفتار از نظر فیزیکی یک صوت است، اما واژه «گفتار» به آن هویت فیزیکی اطلاق نمی شود. نقش گفتار در شبکه روابط تفهیم و تفاهم میان انسان ها، افاده معنایی است که در این شبکه برای افاده آن معنا معتبر شمرده می شود و از این نظر به آن گفتار اطلاق می گردد. یک عمل اجتماعی انسان نیز ممکن است حرکتی فیزیکی یا حرکتی روانی باشد، اما هر عمل اجتماعی در روابط میان انسانی، به عناوینی متصف می شود که غیر از هویت فیزیکی آن عمل است و اطلاق عمل به آن به خاطر آن هویت خواهد بود. معنای عمل، نقش آن عمل در شبکه روابط اجتماعی است و عنوان اجتماعی آن عمل، بیانگر آن معناست. عمل اجتماعی همواره با عنوان معنایش خوانده می شود. در نمونه ای دیگر، کاربری در رایانه خویش چند کلیک می کند. این توصیف فیزیکی رفتار است و هرگز عمل کاربر با این رفتار توصیف نمی شود، بلکه عمل وی با هویت اجتماعی تعریف می گردد، اما عنوان اجتماعی این رفتار به هویت آن کلیک ها وابسته است. این هویت در فضایی مرکب از فضای فنی و اجتماعی تعریف می شود؛ یعنی ممکن است هویت اجتماعی آن کلیک ها، دانلود، آپلود، نگارش،

۱- شولتز، نظریه های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ص ۳۸.

فرستادن یک پیام، دیدن یک پیام، پرداخت یا دریافت پول یا چیزی دیگر باشد. در واقع، جامعه برای اشیاء نیز هویت و معنای اعتباری جعل می‌کند. فرض کنید هویت آن کلیک‌ها در روابط اجتماعی، پرداخت یا دریافت پول است. «پرداخت یا دریافت پول» معنای آن کلیک‌ها در ساختاری اجتماعی است؛ یعنی این معنا در نظامی معین از حیات اجتماعی به کلیک‌ها داده شده است و در تحقق این معنا، اراده افراد دیگر دخیل است.

ساختاری که به عمل اجتماعی معنا می‌دهد، ساختاری ایستا نیست، بلکه همچون خود عمل، بالذات در زمان و در مکان است و به همین دلیل است که با تغییر زمانی مکانی، یک عمل با ماهیت فیزیکی و فردی ثابت، در همان جامعه، معانی متنوعی می‌یابد. در مثال پیشین هم، دادن چند کلیک که عنوان اجتماعی آن‌ها دریافت و پرداخت پول است، به عنوان متعددی نامیده می‌شود: صدقه دادن، پرداخت قیمت جنس خریداری شده، دادن دستمزد، پرداخت مالیات، پرداخت رشوه، پرداخت مال‌باخته در قمار و... مراد از معنای عمل اجتماعی همین عناوین است. اگر نهادها و سازمان‌های رسمی و غیررسمی جامعه برای آن کلیک‌ها چنان معنایی اعتبار نمی‌کردند یا آن اعتبار را نمی‌پذیرفتند، اساساً هیچ‌یک از معانی یادشده به رفتار فرد نسبت داده نمی‌شد. کنش، یک حرکت فیزیکی ارادی نیست، بلکه یک معنای انسانی اجتماعی ارادی است. این کنش ممکن است با تکرار یا عوامل دیگر در کنشگر نهادینه شود و البته ممکن است به صورت یک اتفاق باشد. شخصیت یا منش، نظام سازمان‌یافته‌ای از جهت‌گیری و انگیزش کنش کنشگر فردی است. درضمن، اینکه جامعه در تعیین معنای رفتار کنشگر نقش اساسی دارد، به این معنا نیست که شخصیت در جبر جامعه است، بلکه شخصیت می‌تواند تعدیل‌های خلاقانه در آن به عمل آورد و این تعدیل‌های خلاقانه، یکی از عوامل مهم تحولات اجتماعی به‌شمار می‌آید.

همچنین، حرکت‌های انسانی ابعاد متنوعی دارد و هدایت آن در هریک از ابعاد مختلف می‌تواند با تغییر، تثبیت، تقویت و تضعیف همراه باشد. در این معنا بهره‌گیری قوت از زور، حداقلی است. قوت در جایی برجسته می‌شود که قدرت مرکزی وجود ندارد و مبادی قدرت، توزیع نقطه‌ای دارند؛ به این معنا که هریک مستقل از دیگر مبادی، به اعمال قدرت می‌پردازد و عملاً امکان اعمال قدرت، یعنی تحمیل اراده بر دیگری به‌رغم خواست او، ممکن نیست. چنین وضعی را در فضای بین‌الملل و در فضای مجازی می‌توان دید.

بنابراین، قوت افزون بر اینکه نیازمند منابع است، نیازمند مهارت نیز می‌باشد تا بتواند در جان دیگران نفوذ کند و قوای شناختی و گرایشی آنان را در جهت مدنظر قرار دهد. مهارت عبارت است از درک محیط، منابع، فرصت‌ها و تهدیدها، و توانایی استفاده از منابع برای بهینه‌سازی فرصت‌ها و تبدیل تهدید به فرصت در جهت اهداف. برای نمونه، این روایت منسوب به امیرمؤمنان علی علیه السلام بیانگر یکی از قواعد مهارت است: «الْأُتُوعُ بِالْعَدُوِّ قَبْلَ الْقُدْرَةِ!»^۱ با دشمن پیش از قدرت مقابل نشو». قوت همچون قدرت، مستلزم وجود دو طرف مؤثر و متأثر است. در قدرت، طرف مؤثر به‌لحاظ در اختیار داشتن ابزار تحمیل اراده، اراده برتر است، اما در قوت، طرف مؤثر به‌لحاظ در اختیار داشتن ابزار تغییر اراده، اراده برتر است. در نوع نگاه اسلامی، اراده برتر، اراده‌ای است که به کتاب الهی متصل باشد:

وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَا خُدُوًّا بِأَحْسَنِهَا (اعراف: ۱۴۵).

و در الواح [تورات] برای او در هر موردی پندی، و برای هر چیزی تفصیلی نگاشتیم، پس [فرمودیم]: «آن را به جدّ و جهد بگیر و قوم خود را وادار کن که بهترین آن را فراگیرند، به زودی سرای نافرمانان را به شما می‌نمایانم.»

يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا (مریم: ۱۲).

ای یحیی! کتاب را با قوّت بگیر، و به او در کودکی فرمان
(حکومت و قضاوت) دادیم!

اراده برتر، در یک شخص متمرکز نمی‌شود؛ گرچه محور آن یک شخص باشد، اما به هر صورت، اراده برتر متصل به کتاب الهی، امروز در «ولایت فقیه» متجلی شده است. این نکته قابل توجه است که ولایت فقیه یک نهاد است و این ولایت در یک شخص متمرکز نیست. توزیع ولایت در روایت «جهات معایش العباد» آمده است که اینجا محل تفصیل آن نیست؛^۲ با اینحال، در مباحث آینده از «توزیع قوّت» سخن خواهیم گفت.

ماهیت قوّت در فضای مجازی

پیش از ورود به تبیین ماهیت قوّت در فضای مجازی، لازم است به معیار تفکیک اعتباریات از حقایق پردازیم. اعتباریات اموری اند که تصور آن‌ها بر تحقق آن‌ها در عالم خارج مقدم بوده، ترتب آثار بر آن‌ها نیز به اراده ثانوی وابسته است. برای مثال، یک گروه به تمرکز تصمیم‌گیری احساس نیاز می‌کنند و بر این اساس، فردی را به ریاست گروه برمی‌گزینند. البته با این انتخاب، تصمیم‌گیری تکویناً در یک شخص متمرکز نمی‌شود، بلکه رئیس گروه با مدیریت مناسب، بقیه را قانع می‌کند که از این تمرکز حمایت کنند و بقیه با اطاعت خود، آثار مطلوب از ریاست او را محقق می‌سازند.

۱- به این معنا که ما در کودکی مشروعیت حکومت و قضاوت را دادیم؛ اینکه جامعه با او چه کرد، امری دیگر است. در واقع، بعید نیست شهادت این پیامبر الهی به دلیل تلاش او برای به دست گرفتن این منصب باشد.
۲- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۳۲.

قوت در فضای مجازی از سنخ اعتباریات است؛ یعنی ابتدا تصویری از قوت در فضای مجازی به دست می‌آید و سپس اسباب و امکانات مناسب برای این کار فراهم می‌شود و در نهایت، برای ترتب آثار برای آن فعالیت لازم انجام می‌گیرد. بنابراین، ماهیت قوت در فضای مجازی، همچون اعتباریات دیگر، به مقومات اعتبار وابسته است.

در مقومات اعتباریات، دو امر مهم‌ترند: منشأ و هدف. مراد از منشأ اعتبار، نیاز یا مشکلی است که موجب شده افرادی برای حل آن به چنین اعتباری رو آورند. هدف اعتبار تنها پاسخ به نیاز یا حل مشکل نیست، بلکه امری است که در ورای این پاسخ قرار دارد. مثلاً در امور واقعی، انسان برای حل مشکل گرسنگی غذا می‌خورد، اما سیر شدن برای او هدف نیست، بلکه او سیر می‌شود تا توانایی انجام کاری را بیابد. از اعتباریات هم می‌توان به همان مثال ریاست گروه اشاره کرد. مشکل نزدیک، تمرکز تصمیم‌گیری است، اما مسئله دوم آن است که این نهاد متمرکز تصمیم‌گیری قرار است درباره چه چیزی تصمیم بگیرد و گروه را به کجا برساند. با این مقدمه می‌توان به بررسی دو مقوم اصلی اعتبار قوت در فضای مجازی پرداخت.

منشأ نیاز به قوت در فضای مجازی

از روزهای آغاز ورود اینترنت به ایران، پژوهشگران و فعالان عرصه‌های سیاست، فرهنگ، امنیت و اقتصاد نگرانی‌هایی را اعلام کردند. پژوهشگران تهدیدهای متعدد و متنوعی را برای این سیستم، که بیشتر با عنوان «فناوری‌های جدید اطلاعاتی» شناخته می‌شد، برمی‌شمردند.^۱ امروزه می‌توان درک بهتری از تهدیدهای فضای مجازی داشت. بخشی از این تهدیدها عبارت‌اند از:

۱) تقویت خراب‌کاری: فضای مجازی فرصت‌های جدید برای گروه‌های خراب‌کار در سطح محلی، ملی و فراملی ایجاد می‌کند. برای نمونه، فضای مجازی

۱- برای نمونه نک: صدوقی، تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی.

در وب تاریک (dark web) شبکه‌های جنایی، مانند تولید و قاچاق مواد مخدر، تولید و قاچاق تسلیحات، قاچاق انسان، قاچاق اعضای بدن انسان، گروه‌های آدم‌کشی حرفه‌ای، تروریست‌های حرفه‌ای و انواع دیگر گروه‌های خلاف‌کار، بازاری از خرید، فروش، تبلیغات و حتی آموزش در اختیار گرفته‌اند؛ امری که پیش‌تر به این سادگی ممکن نبود. اکنون این گروه‌ها از فواصل دور می‌توانند با هم مرتبط شوند، سفارش بگیرند و عملیات خراب‌کارانه انجام دهند. همچنین فضای مجازی موجب شده فعالیت‌های خراب‌کارانه‌ای ایجاد شود که پیش‌تر حتی قابل تصور نیز نبود. اگر قبلاً انجام فعالیت‌های خراب‌کارانه نیاز به بدنی قوی داشت، امروزه نیاز به استعدادی قوی دارد و البته این نحوه خراب‌کاری‌ها جذابیت‌های خاص خود را برای اذهان مستعد خواهد داشت.

۲) تحول در عرصه نظامی: ساختارهای نظامی تفاوت‌های بنیادین پیدا کرده است و خود این تهدیدهای متنوعی ایجاد می‌کند. از سویی، نوع جدیدی از جنگ با عنوان «جنگ‌های اطلاعاتی» آغاز شده است. با توجه به اینکه کشورهای غربی، به ویژه آمریکا، فناوری‌های مربوط به فضای مجازی را در سطح بالایی در اختیار دارند، در جنگ‌های اطلاعاتی در برابر رقیبان می‌توانند در سطح بسیار بالاتری قرار گیرند. مثال ساده آن، گوشی یک فرد است که می‌تواند بدون اطلاع او، با یک بدافزار به ابزار جاسوسی تبدیل شود و دارنده آن، بدون اینکه بداند، جاسوس دشمن شود. اهل فن می‌دانند که سطح جنگ‌های اطلاعاتی بسیار فراتر از این مثال ساده است. از سوی دیگر، فضای مجازی، نظام سلاح‌های فیزیکی را به کلی تغییر داده است. نمونه‌ای از این تحول را می‌توان در پهپادها دید که بسیاری از کشورهای جهان از این سلاح‌ها بی‌بهره و در نتیجه، در برابر آمریکا و هم‌پیمانان او آسیب پذیرند. این سلاح‌ها امکان وارد کردن ضربه‌های اساسی را با کمترین هزینه و از فاصله‌ای دور فراهم می‌آورند، اما این مسئله سوی دیگری نیز دارد و آن اینکه خود این سلاح‌ها با در برابر حملات سایبری، آسیب پذیرند و با توجه به اینکه فناوری‌های مجازی

به طور عمده در اختیار آمریکا و هم پیمانان اوست، باز کشورهای دیگر در برابر این مشکل نیز آسیب پذیر می شوند. همچنین، وابستگی روزافزون صنایع، به ویژه صنایع حساس به فضای مجازی، امکان نوع جدیدی از حملات نظامی، با عنوان «حملات سایبری» را پدید آورده است. معروف ترین نمونه آن، حمله اتمی «استاکس نت» علیه ایران بود. ویروس استاکس نت در پی تخریب زیرساخت های اتمی ایران از طریق یک بدافزار و ایجاد انفجاری اتمی بود؛ چیزی که در دنیای قدیم معنای چندانی نداشت و ایجاد حملات گسترده علیه زیرساخت های یک کشور بدون حضور فیزیکی دشمن امکان پذیر نبود.

۳) تهدید فرهنگ: عرصه فرهنگی با ظهور فضای مجازی تحولات بسیار زیادی داشته است. پیش از فضای مجازی، اطلاعات خانوادگی و شخصی، به ویژه درباره بانوان، محرمانگی خاص داشتند، اما امروزه حتی در خانواده های مذهبی در خصوص وجود عکس و اطلاعات خانوادگی و شخصی، حتی درباره بانوان، حساسیت چندانی دیده نمی شود. امروزه مدارس مجازی حدود ۲۵ درصد از دانش آموزان دبیرستانی را در سطح جهانی تحت پوشش دارند و به راحتی می توانند از بیرون مرزها، نوجوانان و جوانان یک کشور را تحت پوشش قرار دهند. با پیدایش فضای مجازی، تهاجم فرهنگی ابعاد ویژه ای یافته است؛ به حدی که حتی کشورهای لیبرالی مانند فرانسه از آن اظهار نگرانی کرده اند. برخی، فضای مجازی را ابزاری برای جهانی سازی فرهنگ آمریکایی می دانند. این فناوری با درهم ریختن فاصله های زمانی مکانی، توانسته اجتماعاتی ایجاد کند که به روابط فیزیکی وابسته نباشند. در این اجتماعات انواع جدیدی از عناصر فرهنگی ظاهر شدند و عناصر فرهنگی معمول نیز صورت های جدیدی پیدا کردند. با توجه به اینکه کشورهای مختلف تنها مصرف کننده اینترنت اند و خود، نه در ایده پردازی آن و نه در مدیریت و سیاست گذاری آن نقشی ندارند، این ساخت های فرهنگی جدید می تواند دریچه ای برای نفوذ ارزش های آمریکا باشد.

۴) تهدید اقتصاد: فضای مجازی امکان نفوذ اقتصاد سلطه را تا حد زیادی گسترش داده و موجب جهانی شدن نظام مالی در چارچوب سیاست‌های اقتصاد سلطه شده است. همچنین، برای ارزیابی وضعیت تحریم‌ها و گسترش آن، امکانات فراوانی را برای آمریکا فراهم کرده است. در فضای مجازی شاهد پیدایش پول‌هایی می‌شویم که بدون هیچ پشتوانه‌ای، تنها جریانی از الکترون‌هایند و به نظر می‌رسد این پول‌ها در حال گسترش باشند. این پول‌ها آثار فراوانی بر اقتصاد جهانی دارند و تنها یکی از نتایج آن، کاهش کنترل و اهمیت بانک‌های مرکزی دولت‌ها و در نهایت، تضعیف حاکمیت دولت‌ها بر نظام مالی است.

۵) تهدید حاکمیت دولت‌ها: فضای مجازی از جهات مختلف حاکمیت دولت‌ها را محدودتر کرده است. در این فضا، گروه‌هایی می‌توانند ایجاد شوند که بدون تشکیلات فیزیکی و بدون نیاز به شناسنامه رسمی، خارج از نظارت دولت‌ها پدید آیند و حتی با گسترش بین‌المللی، در فضای بین‌الملل بازیگرانی قوی‌تر از دولت‌ها شمرده شوند. در ساختارهای مرسوم سیاسی، دولت ملت‌ها با گونه‌هایی از پیوند منفعتی میان خود، مردم و نخبگان، می‌توانند مشروعیت و کارآمدی لازم را برای بقای خود تأمین کنند، اما فضای مجازی این ارتباط سه‌ضلعی را به گونه‌های مختلف قطع می‌کند و با وصل مردم از سویی و نخبگان از سوی دیگر به فراتر از مرزها، از جهات مختلف به تضعیف دولت ملت‌ها می‌پردازد. برای نمونه، نظارت دولت‌ها را بر فضا و قلمرو خود، از جهات مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی کاهش می‌دهد؛ موجب کاهش ارزش هویت ملی می‌شود، از میزان وفاداری ملی می‌کاهد و هویت فراملی را جایگزین آن می‌کند؛ ملیت‌های مختلف، در سطح فردی و گروهی، بدون مراجعه به دولت‌ها و نظارت آن‌ها می‌توانند با هم مرتبط شوند؛ مفاهیمی مانند منافع ملی، امنیت ملی و اقتصاد ملی را به تحلیل می‌برد؛ و ناتوانی دولت‌ها را در تأمین رفاه، آزادی و امنیت، و نیز امکان مهاجرت

نخبگان را بیشتر می‌کند. مجموعه این امور، موجب انتقال قدرت از دولت‌ها به گروه‌ها و بازیگران دیگر فراملی یا وابسته به بیگانه می‌شود.

۶) تهدید حیات ارزشی فردی: محیط فضای مجازی، محیطی از جهات گوناگون به شدت متغیر است؛ از جهت ابزارهای سخت‌افزاری، ابزارهای نرم‌افزاری، محتوا، افراد مرتبط و... از سوی دیگر، فضای مجازی به شدت پیچیده است؛ ورودی‌ها، خروجی‌ها، متغیرها، فرایندها، و عوامل دخیل در آن تا حد زیادی غیرقابل درک است. به همین علت‌ها، هیچ‌کس درک کاملی از محیط خود در فضای مجازی ندارد و از این رو، هیچ‌کس نمی‌تواند جریان عظیم اطلاعاتی را حتی در شعاع کوچکی از محیط اطراف خود تحت نظارت کامل خویش درآورد. بنابراین، در محیط فضای مجازی افراد ناچار از تطبیق خود با سطوح متنوعی از پیچیدگی هستند و موفقیت را با میزان سازگاری با این محیط تعریف می‌کنند؛ نه در میزان مؤثر بودن بر آن. فشار ناشی از کوتاه بودن فرصت‌های واکنش، به فشارهای ناشی از پیچیدگی شرایط و گران‌باری اطلاعات افزوده می‌شود. از سوی دیگر، هم اطلاعات رودرروی انسان و هم سرعت پردازش داده‌ها روزه‌روز بیشتر می‌شود، اما فرصت اندیشه درباره آن‌ها کم شده، نتیجه آن، کنترل و نفوذ روزافزون فناوری بر ماست. کاربران به معنای اعم آن، یعنی هرکس که در فضای مجازی محیطی ایجاد می‌کند یا از محیطی بهره می‌برد در فضای مجازی با استخدام حاکمان فضای مجازی و نیز کاربران دیگر روبه‌رو هستند؛ به این معنا که حکمرانان فضای مجازی به آن‌ها اجازه داده‌اند اطلاعاتی را آگاهانه یا ناآگاه تولید کنند؛ اطلاعاتی که در جهت تمهید ادامه سلطه حکمرانان است. مشکل دیگر این است که در وضع اولی، کاربران در استفاده از منابع و امکانات محیط‌های مجازی با دیگران در یک رتبه‌اند و به همین دلیل، با توجه به محدودیت منابع و امکانات در فضای مجازی، تزاخم منافع امری گریزناپذیر است.

بنابراین، هم کاربران و هم جوامع همواره با تهدیدهایی از ناحیه فضای مجازی روبه‌رو هستند که نظم یا حیات افراد یا جوامع را برهم می‌زنند و عدم مهار آن‌ها می‌تواند تمام سطوح و ابعاد ساختار جامعه را برهم بریزد و کل جامعه را متلاشی کند. همچنین باید توجه داشت اغلب تهدیدهای یادشده، تهدیدهایی دو طرفه‌اند و می‌توان این تهدیدها را متوجه دشمن کرد، اما همه این‌ها نیازمند قوت است؛ قوتی که بتواند این تهدیدها را به فرصت اثبات و تثبیت برتری و عزت تبدیل کند. شاید به نظر برسد در بررسی منشأ قوت، درازگویی شده، تنها اشاره اجمالی به وجود تهدیدها کفایت می‌کرد، اما باید دانست که قوت دارای انواعی است و هر نوعی در برابر برخی تهدیدها کارایی دارد.

بدون لحاظ تهدیدهای یادشده، باز تدبیر فضای مجازی نیازمند قوت بود. لازمه زندگی در جامعه‌ای که فضای مجازی را پذیرفته، تعریف آگاهانه و ارادی پایگاه‌ها و نقش‌های لازم و مطلوب برای کاربران است؛ اگرچه به صورت مجمل و با اراده کلی. بهره‌گیری مطلوب از این فضا و تبدیل استخدام یک طرفه به نقش‌های مناسب، حل تزاخم منافع در بهره‌برداری از منابع و امکانات فضای مجازی، کاهش تهدید و ایجاد آرامش برای کاربران، و نیز ایجاد ساختار مطلوب در فضای مجازی، نیازمند قوت است. گرچه در فضای مجازی، نظم کامل نیازمند مرکزیت است، اما در این فضا سازمان‌دهی اراده‌های فردی تحت اراده‌ای برتر، آن هم با توصل به قدرت قاهره و تحمیل اراده، ممکن نیست. بنابراین، قوت در فضای مجازی منشأ دومی هم دارد.

هدف قوت در فضای مجازی

با توجه به مشکلاتی که ما را متوجه مسئله قوت ساخت، می‌توان اهداف اولیه قوت را در فضای مجازی بیان کرد. با در نظر گرفتن انواع تهدیدهایی که از فضای

مجازی متوجه جوامع و افراد شده است و نیز نیاز فضای مجازی به یک نظام، می‌توان پنج هدف اساسی را در این زمینه دریافت:

۱. حفظ امنیت فضای مجازی: امنیت فضای مجازی و اینترنتی که در اختیار ماست.
۲. امنیت در فضای مجازی: امنیت محیط‌هایی که ما در فضای مجازی ایجاد کرده‌ایم و نیز امنیت فعالیت‌هایی که ما در آن انجام می‌دهیم.
۳. امنیت فضای حقیقی ناشی از تهدیدهای مجازی.
۴. وادار ساختن دشمنان و رقیبان به تغییر فعالیت در جهت مدّ نظر: طراحی زمین بازی و در اختیار گرفتن کنترل آن.
۵. تنظیم ساختار فضای مجازی.

این پنج هدف، برگرفته از دو منشأ قوت در فضای مجازی است و به اهداف اولیه هم که اشاره کردیم، اما در مقوّمات اعتبار، مراد از هدف، اهداف اولیه نیست. با یک مثال تفاوت این دوگونه هدف روشن می‌شود. نیازی که ما را وادار به غذا خوردن می‌کند، گرسنگی است و البته سیر شدن هدف اولیه تغذیه است. این سیری قوت و نیرویی در فرد ایجاد می‌کند، اما روشن است که سیری، غایت حرکات انسانی نیست. بنابراین، مسئله دومی مطرح می‌شود: هدف از سیر شدن چیست و فرد خود را سیر می‌کند تا توانایی برای چه کاری پیدا کند؟ دقیقاً همین مسئله برای فضای مجازی نیز مطرح است: هدف از قوت در فضای مجازی چیست و حفظ امنیت، طراحی زمین بازی و تنظیم ساختار فضای مجازی برای رسیدن به چه وضعیتی است؟

پاسخ تحلیلی به این پرسش، مستلزم تحقیقی عمیق و گسترده است که این مقاله گنجایش آن را ندارد، اما چون پاسخ نهایی در فضای فکری نخبگانی قابل پذیرش است، به صورت ادعایی به آن اشاره می‌کنیم. به طور کلی، هدف از قوت در نظام شریعت اسلامی، حرکت به سمت مقاصد کلی شریعت است: توسعه

عقل، توسعه دین، توسعه عزت، توسعه عدل، تکثیر و حفظ نفوس مسلمانان، توسعه و توزیع عادلانه مال.

موضوع قوّت در فضای مجازی

موضوع قوّت، چیزی است که در آن باید قوی شد. برای مثال، در مسابقات ورزشی، قوّت ماهیچه‌ها برای ورزشکاران مطلوب است و در مسابقات علمی، قوّت علمی برای اهل دانش. در عالم سیاست نیز این نکته مهم است که قدرت در دست چه کسی باشد و او در چه چیزی باید قدرتمند باشد. بنابراین تعریف ارائه شده از قوّت، موضوع قوّت، اراده عمومی است. ممکن است به نظر برسد سلطه بر منابع در قوّت مهم‌تر است. برای نمونه در فضای مجازی، کلیدداری فضای مجازی، یعنی داشتن شبکه اطلاعات، تولید و توسعه ابزارهای مجازی قدرتمند بومی، از منابع به‌شمار می‌آیند، اما سلطه بر منابع، قوّت الهی نمی‌آورد؛ چنان‌که حق تعالی درباره طالبوت می‌فرماید:

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (بقره: ۲۴۷).

و پیامبرشان به آنان گفت: به‌راستی که الله طالبوت را به زمامداری شما برانگیخت. گفتند: چگونه زمامداری بر ما از آن او باشد، و حال آنکه ما سزاوارتر از او به زمامداری هستیم، و به او از نظر مال، گشایشی داده نشده است؟! گفت: به‌راستی که خدا او را بر شما برگزیده، و دانش و بدنش را گسترش داده است، و خدا فرمانروایی خویش را، به هرکه بخواهد، می‌دهد، و خدا گشایشگر داناست.

افزون بر این چنان‌که بیان شد منبع قدرت خدای تعالی است، نه چیزی دیگر. این خدای تعالی است که این فرصت را به کسی می‌دهد تا اراده عمومی را بتواند تغییر دهد:

فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ (آل عمران: ۱۵۹).

پس به جهت رحمتی از الله آنان در برابر تو نرم شدند. همچنین، ممکن است به نظر برسد قوت، سلطه بر نتایج و حوادث است. سلطه بر ورودی‌ها و خروجی، سلطه بر محتوای تولیدی، تأمین امنیت، به‌ویژه امنیت داده‌ها و مانند این‌ها، از جمله نتایج و حوادثی هستند که در فضای مجازی مورد توجه‌اند، اما سلطه بر نتایج و حوادث نیز از توان بشر خارج است:

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ (بقره: ۲۷۲).

هدایت (به‌راه‌آوری) آنان برعهده تو نیست، ولی الله هرکس را بخواهد، هدایت می‌کند.

قُلْ إِنْ أَلْهَى اللَّهُ الْبَشَرَ لَنْ يُؤْتِيَ أَحَدٌ مِثْلَ مَا أُوتِيْتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنْ أَلْفُ ضَلَّ بِئِدِ اللَّهُ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (آل عمران: ۷۳).

بگو به‌راستی که هدایت الله، هدایت است؛ اینکه به کسی مثل آنچه به شما داده، بدهد یا بتواند در پیشگاه پروردگارتان با شما محاجه کنند. بگو همانا فضل به‌دست الله است. به هرکس بخواهد آن را می‌دهد، و الله گشایشگر داناست.

بنابراین، ذات قوت اسلامی چنین اموری نیست، بلکه ذات آن در نظام روابط میان انسانی تعریف می‌شود. داشتن منابع و وصول به نتایج، مسئله مهمی است، اما مسئله ثانوی و تبعی در خصوص «قوت در تغییر اراده‌ها» به‌شمار می‌آید. براین اساس، چنین موضوعی در اموری مانند تولید محتوای مناسب در فضای مجازی، گستره حضور، و نیز فرهنگ و کیفیت حضور جلوه‌گری می‌کند.

بنابراین، براساس منشأ و هدف قوّت، موضوع قوّت، اراده عمومی است، ولی فروع و توابع در خود این موضوع محدود نمی‌ماند، بلکه برابندی از مجموعه موضوعات ممکن را می‌طلبد تا تغییر اراده عمومی در جهت مطلوب حاصل شود. در واقع، قدرتی که در همه ابعاد گسترش نیافته باشد، می‌تواند حتی علیه خود عمل کند و به دریچه‌های نفوذ دشمن و سلطه او تبدیل شود.

با بیان بالا می‌توان درک کرد که قوّت در فضای مجازی را نمی‌توان منحصر در یک فرد یا یک نهاد کرد، بلکه توزیع همگانی آن لازم است. این نکته متناسب با آیات متعددی از قرآن کریم است. برای نمونه، به آیات زیر توجه می‌دهیم:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید: ۲۵).

همانا رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و میزان فرود آوردیم، تا مردم قسط را برپا دارند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ (نساء: ۱۳۵).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! پیوسته برای قسط به پا خاسته، گواهی‌دهنده برای خدا باشید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ (مائده: ۸).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! پیوسته برای خدا به پا خاسته، گواهی‌دهنده برای قسط باشید.

در این آیات، اقامه قسط و قیام لله وظیفه همه مردم به‌شمار آمده و این مستلزم وجود قوّت کافی برای انجام این وظیفه در همه مردم است؛ یعنی همه توانایی و امکانات لازم برای تغییر اراده دیگران از معصیت به طاعت خداوند، در میان همه مردم توزیع مناسب شده باشد؛ زیرا عدم قوّت دست‌کم با یکی از دو وضعیت ذیل ملازم است:

۱. نداشتن آزادی عمل و انتخاب براساس اکراه؛ یعنی فاعل، فعلش را براساس گرایش درونی انتخاب نمی‌کند و زیر بار فشاری برای انجام دادن آن فعل ازسوی

شخص دیگری است. قوی کسی است که انتخابش براساس انگیزه درونی خودش است و می‌تواند براساس آن انگیزه، فعلی را اراده کند و نیز بر این توانایی آگاه است. ۲. اضطراب به یک انتخاب و نبود تنوع در انتخاب: یعنی فاعل در اثر محدودیت امکانات بیرونی و در تنگنا واقع شدن، ناچار به انتخاب فعل معینی است و زمینه بیرونی انتخابش، گستردگی لازم و کافی را ندارد. وقتی کسی ناچار از انتخاب اضطراری باشد، اختیار کافی ندارد. روشن است که نبود اختیار، ملازم با عدم قوت یا ضعف آن است.

بنابراین، وجود قوت مستلزم دو وضعیت است: (۱) آزادی عمل و عدم اکراه؛ (۲) داشتن امکان انتخاب‌های متنوع و عدم اضطراب به انتخاب خاص. اما با صرف این دو، قوت حاصل نمی‌شود، بلکه قوت افزون بر این دو، مستلزم داشتن اسباب تغییر اراده در دیگران است.

قوی کسی است که در زمینه‌ای با اقتضائات متضاد، بتواند در گرایش عمومی، یک طرف خاص را مرجح سازد و با امکاناتی که در دست دارد، با ایجاد بایسته‌ها و رفع موانع به طرف مرجح فعلیت ببخشد؛ آن هم در حالی که گرایش عمومی به خودی خود نسبت به همه اطراف تضاد اگرچه نه در یک رتبه و نه به نحو مساوی وجود دارد. قوت با ابزار انگیزاننده و بازدارنده، نسبت انجام و ترک را برهم می‌زند. بنابراین، وجود قوت مستلزم امکانات و ابزاری است؛ امکاناتی که داشتن آن‌ها، لازمه خارجی داشتن و اعمال اراده برتر است.

اگر یکی از مراکز قوت در فضای مجازی امکانات کافی نداشته باشد، نخواهد توانست اراده‌اش را در کاربران سرپا دهد و به خودی خود از مرکزیت خواهد افتاد. لازمه اختیار کافی، ایجاد زیرساخت‌های لازم در فضای مجازی است تا کاربر پیش از مواجهه با دشمن، نیازهایش برطرف شود و اراده برتر در قوت اسلامی ناچار از کوتاه آمدن در برابر دشمن و دست دراز کردن به سوی او نباشد. داشتن امکانات

کافی، یعنی آنچه کاربر نیاز دارد، او داشته باشد تا در زمان نیاز کاربر، متناسب با سیاست‌های مربوطه در اختیاری قرار دهد.

منبع قوّت

در باب صفات الهی و نسبت آن صفات در مخلوقات، تحلیلی مختصر لازم است. حمل اسماء الهی بر ذات، حملی به ضرورت ازلی است. مواد ثلاث در خود وجود عبارت‌اند از ضرورت، امکان و امتناع ازلی. با توجه به انفصال حقیقی مواد ثلاث از هم، این امکان منحصر به وجودی است که از جای دیگری آمده و تعلق ذاتی به غیر دارد.^۱ صفات الهیه بیان واجدیت ذاتی یا فاعلیت‌اند. بنابراین، در قضیه «إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ» ثبوت «الْقَوِيُّ» بر «هُوَ» به معنای واجدیت (صفت مشابه بر وزن فاعل) قوّت است. به این دلیل، منبع اصلی قوّت، خدای تعالی است؛ چنان‌که در وحی الهی آمده است:

مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (کَهِف: ۳۹).

هر آنچه الله خواست، همان می‌شود؛ نیرویی جز به سبب او نیست.

وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ
يُرِدِّكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ (هُود: ۵۲).

وای قوم من! از پروردگار خود آمرزش بخواهید، سپس به سوی او توبه کنید تا آسمان را برای شما پرباران کند و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید، و از مجرمان پیروی نکنید.

بنابراین، حمل قوّت بر مخلوقات به معنای پذیرندگی قوّت است. ممکن ازلی، از جهت عین فعل الهی است و از جهت پذیرنده آن؛ به همان صورت که ذات الهی از جهت عین صفات کمال است و از جهت دیگر واجد آن.

لازمه ضرورت ازلی وجود الله این است که «الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» ضروری ازلی باشد و لازمه امکان ازلی مخلوق این است که قوت او ممکن ازلی باشد؛ زیرا اگر واجد هستی خود نبوده و هستی خود را از تملیک دیگری داشته باشد، واجد هیچ چیز دیگر نخواهد بود.^۱ بنابراین، حمل قوت بر الله با حمل قوت بر مخلوق یکسان نیست. ثبوت قوت برای الله به ضرورت ازلی است و این ثبوت بدین معناست که الله، به واجدیت ازلی خود، فی نفسه واجد قوت است، اما ثبوت قوت برای مخلوق به امکان ازلی است؛ یعنی قوتی که برای رسول و مؤمنان ثابت است، قوتی است که فی نفسه واجد آن نیستند و اعطایی از دیگری است. بنابراین، «لام» اختصاص در «لِلَّهِ» اختصاص ذاتی به ذات، ولی اضافه «فُوتِكُمْ» اضافه شبه تملیکی خواهد بود؛ یعنی انسان به تملیک الهی قوی می شود. این تملیک موجب نمی شود عبد مستقل از خداوند واجد قوت شود؛ زیرا قوت عبد چیزی جز تجلی فعل حق تعالی نیست و فعل بالذات قائم به فاعل است.

البته خداوند این قوت را از طریق اسباب و براساس سنت های خود به اقوام گوناگون بشر اعطا می کند. تأمین امکانات کافی برای قوت، دستور صریح قرآن کریم است: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَغْنَوْا مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰). با این مقدمات می توان به الزامات قوت پرداخت.

۱- بنابر قاعده فرعیه «اثبات شیء لشیء فرع ثبوت مثبت له».

الزامات قوّت اسلامی در فضای مجازی

(۱) ساختارمندی

ساختار عبارت است از: آرایش یا سازمان اجزای مرتبط در یک مجموعه؛ آرایشی که اغلب با یک الگو بازشناسی و بازسازی می‌شود. تنوع پیوندها در اجزای ساختار و میزان پیچیدگی آن‌ها، از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که در مطالعه ساختارها مورد توجه قرار می‌گیرند. ساختار فضای مجازی، یعنی شبکه پیچیده پایگاه‌ها، نقش‌ها و قوانین آن.

می‌توان از تحلیل ماهیت قوّت دریافت که نیازمند ساختاری شدن است. این نکته از نظریه «خطابات قانونی» امام خمینی رحمته‌الله علیه در علم اصول قابل درک است. خطاب «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» به هرکس نمی‌گوید رأساً باید اقدام به اقامه قسط نماید، بلکه مخاطب این خطاب، مکلف، به صورت کلی طبیعی است؛ به مکلف می‌گوید قسط را برپا کن. عموم لحاظ شده در معنای «النَّاسُ» تنها نشان‌دهنده عام بودن تکلیف و مکلف است و بر عام بودن خطاب دلالت ندارد. اینکه مکلف عام لحاظ شده است، دلالت نمی‌کند که تکلیف (در این آیه: قیام به قسط) به تعداد مکلفان عام است، بلکه این نکته به سنخ مکلف به وابسته است. در برخی از تکالیف، مانند نماز، وقتی عموم مردم تکلیف می‌شوند، هرکس به نماز خودش مکلف است، اما در برخی تکالیف دیگر چنین نیست و ممکن است چند مکلف به یک امر تکلیف شوند تا با هم آن امر را انجام دهند. در این وضع، مکلف به تجزیه به اجزا می‌شود و هر فرد، جزئی از تکلیف را در نظامی هماهنگ با دیگران انجام می‌دهد؛ این غیر از انجام امر از سوی هر مکلف مستقل از دیگری است. در قیام لله برای اهداف قوّت در فضای مجازی نیز مسئله همین است. اهدافی چون توسعه

عقل، توسعه دین، توسعه عزت، تکثیر و حفظ نفوس مسلمانان و بالاخره توسعه و توزیع عادلانه مال، هریک، تکلیفی هستند که همه باید آن را با هم انجام دهند. وصول به چنین اهدافی چگونه ممکن است؟ انجام این امور در جامعه اساساً کاری فردی نیست و هویت این عمل اجتماعی است. و جوب قسط برای آن است که توزیع قوت در جامعه تنگ نگردد و گسترده باشد. گستردگی توزیع قوت در جامعه، موجب می شود هرکس اگر بخواهد، علی الاصول بتواند از قوت بهره داشته باشد. گسترش قوت، مستلزم برنامه ریزی گسترده در باب انواع فعالیت های مجازی، محیط های مجازی، روابط کاربر و سرویس دهنده، نظام خدمات، مسائل مالی مربوط به فضای مجازی و امور بسیار دیگر است که اجرای آن نیازمند همکاری و همیاری همه جامعه است. این امر تنها بخشی از قوت در فضای مجازی است. قوت به معنای مطلق، در سیاست، فرهنگ، اقتصاد و دیگر وجوه جامعه مجازی جریان دارد. پیچیدگی تأمین و توزیع قوت به حدی است که افراد، مستقل از هم قادر به انجام چنان عملیاتی نیستند. در خطباتی نظیر آیات یاد شده، فرد فرد نمی توانند موضوع خطاب باشند، بلکه موضوع این خطبات، جامعه سیاسی به مثابه یک کل است. بنابراین، تا برنامه عملیاتی برای اجرای این نحوه احکام وجود نداشته باشد و وظایف افراد و گروه ها در آن مشخص نگردد، این احکام قابلیت اجرا نمی یابند و منجز نمی شوند. این نظام همان ساختار قوت است.

۲) لحاظ ولایت و امامت به عنوان قدرت برای مردم

خداوند وقتی از امامت حضرت ابراهیم علیه السلام سخن می گوید، می فرماید:

قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا (بقره: ۱۲۴).

فرمود: قطعاً من تو را برای مردم امام قرار دادم.

شاید به نظر برسد اقتضای وجود قوت در دست امام، «جاعلک علی الناس اماماً» بود، ولی امامت، قوت بر مردم نیست، بلکه برای مردم است. اساساً ولایت نیز چنین

است. ولایت رابطه‌ای استعلائی است که به مولا حق تصرف در امور مولی علیه می‌دهد، اما تصرفی که به نفع مولی علیه باشد و نفع مولا در آن لحاظ نشده است؛ چنان‌که هم ولایت پدر بر فرزند و هم ولایت امام بر امت چنین است.

ولایت امام بر امت، از سنخ ولایت بر صغار و مجانین نیست، بلکه ولایت بر فرزندگان و عاقلان است. بنابراین، نمی‌تواند عقل و اراده امت را سلب نماید، بلکه برای ارتقای عقل و اراده امت است تا امت با عقل خود چیزی را اراده کند که امام اراده می‌کند. فاصله «جاعلک علی الناس» با «جاعلک للناس» در همین نکته است:

وَوَاتَرِیْهِمْ أَنْبِیَاءَهُ لَیْسَتْ أَدْوُهُمْ مِیْثَاقَ فِطْرَتِهِ وَیَذِکْرُوهُمْ مَنْسَبِی نِعْمَتِهِ
وَيَحْتَجُّوْا عَلَیْهِمْ بِالتَّبْلِیْغِ وَیُثِرُوْا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ!

و پیامبران خود را پی در پی فرستاد تا وفای به میثاق فطرت را از آنان بخواهند و نعمت فراموش شده را یاد آرند و با تبلیغ بر آنان حجت تمام نمایند و توانمندی‌های عقل‌های پنهان شده را آشکار سازند.

در آیات متعدد قرآن کریم قدرت به معنای تحمیل اراده بر مردم، از رسول خدا ﷺ نفی شده است. برای نمونه خدای متعال می‌فرماید:

فَذِکْرٌ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ * لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ * إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ *
فَيَعَذِبُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ (غاشیه: ۲۱-۲۴).

پس تو تنها تذکره‌دهنده‌ای. تو بر آن‌ها سیطره نداری. جز کسی که روی گرداند و کافر شود. پس الله او را به عذابی بزرگ کیفر می‌دهد. سیطره مستلزم تحمیل اراده است. از این آیات به سادگی می‌توان دریافت که سیطره تنها در جایی است که تخلف آگاهانه و سنگین روی می‌دهد. این معنا را با تعبیری فلسفی نیز می‌توان بیان کرد. وقتی می‌گوییم ما می‌خواهیم در فضای مجازی دارای قوت باشیم، به این معناست که می‌خواهیم در فضای مجازی،

اراده‌ای برتر تعریف کنیم که اراده‌های زیرین، صورت تنزیلی اراده برتر به‌شمار آیند و بتوان آن‌ها را به اراده برتر نسبت داد، اما تعریف چنین اراده‌ای در فضای مجازی، توانایی ایجاد خدشه به اختیاری بودن اراده‌های دیگر را ندارد. بنابراین، اراده برتر باید جامعه را چنان تدبیر کند و در آن اعمال قدرت نماید که آنچه در سطوح زیرین محقق می‌شود، اراده برتر باشد، اما نه با حذف اختیار دیگران، بلکه با ارشاد دیگران. نفی مفهوم تحمیل اراده از آیات دیگری نیز برمی‌آید؛ برای نمونه:

وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ (ق: ۴۵).

و تو بر آنان جبار (جبرکننده) نیستی؛ پس با قرآن هرکه را از وعید می‌ترسد، یادآوری کن.

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعاً أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (يونس: ۹۹).

و اگر پروردگارت می‌خواست هرکه در زمین بود، همه‌شان ایمان می‌آوردند. آیا تو مردم را مجبور می‌کنی تا اینکه مؤمن شوند؟

این نکته مهمی است؛ قوت در اندیشه اسلامی، قدرت بر اراده‌های دیگران نیست، بلکه قدرت در اراده‌های دیگران است. «در اراده‌های دیگران بودن» دو معنا دارد. اول اینکه اراده برتر در موقعیت برتری قرار ندارد، بلکه پاهای او در همان زمینی است که پای دیگران هم در آن است، اما به لحاظ عقل و درایت بالایی که در آن مفروض است، کمالاتی یافته و از منظری فراتر به جهان می‌نگرد. معنای دوم آن، این است که اراده برتر خود را بر اراده‌های دیگر تحمیل نمی‌کند، بلکه اراده‌های دیگران را رشد می‌دهد؛ به حدی که از آنچه او می‌بیند، دیگران هم درکی گرچه اندک داشته باشند و خود همان را اراده کنند که او اراده کرده است. هدف هدایت است، نه تحمیل اراده.

اگر در فضای حقیقی، قدرت به معنای تحمیل اراده ممنوع است، در فضای مجازی، اصلاً امکان اجبار و اکراه اراده برتر به مردم وجود ندارد. ساختار فضای

مجازی به گونه‌ای است که منابع و امکانات کافی برای تحقق اراده‌های همه فراهم است و به همین دلیل، قوت برتر باید در تمام سطوح جامعه در کنار کاربران و کاربران باشد؛ به گونه‌ای که کاربران در تحقق اختیارهای فردی نیز، آن قوت را واسطه میان خود و تحقق خواسته‌هایشان بیابند. معنای این سخن آن است که قوت برتر مطلوب باید امکانات لازم را برای تحقق استعدادهای فردی در جامعه فراهم آورد. دقیقاً به این علت است که کاربران با رضایت به آن تن می‌دهند و اراده‌های آنان، صورت تنزلی و تفصیلی اراده برتر می‌شود.

پس قوت اسلامی در عین حضور و سریان در همه شئون فضای مجازی و تلاش برای چنین حضوری در نظام احسن مجازی، آزادی کاربران را سلب نخواهد کرد.

۳) حکمت مبنایی

قوت اسلامی در فضای مجازی، ملازم با علم لازم و کافی به فضای مجازی و مبنایی تصمیم‌گیری است. اگر این علم، و حیانی-عقلانی باشد، در تلازم با قوت حکمت خواهد بود؛ زیرا هم از جهت مبنا و هم از جهت اثر، متقن و استوار است. اگرچه این اراده برتر، از چنان حکمت برتر و عقل برتری باید برخیزد که عقول مردم عادی توان آن را ندارند، اما حتی چنین اراده‌ای تنها زمانی کارآمد خواهد بود که در اراده‌های عموم نه بر اراده‌های عموم اراده برتر شمرده شود. با این حال، اراده برتر، از نظر تفصیل و سازمان دهی به اراده‌های زیرین و به فعلیت رساندن آن‌ها، واقعاً برتر بوده، از ضمانت اجرایی فرهنگی و نیز امکانات کافی برخوردار است.

این نکته را با دلایل متعددی می‌توان مدلل کرد. در ادله عقلی ضرورت نصب ولیّ از سوی خدا و رسول برای حکومت بر مردم و نیز ادله عقلی ضرورت وجود امام معصوم و ولیّ فقیه، اهدافی برای حکومت اسلامی ذکر می‌شود؛ مانند تکامل نوع انسان از توحش به تمدن، ایجاد نظم و امنیت مناسب برای گسترش عدالت و دین، و اجرای احکام دینی و توسعه دینی جامعه؛ اما نسخ این گونه اهداف به گونه‌ای

است که برای تحقق آن‌ها، مردم خود باید ضرورت آن را دریابند و برای دستیابی به این اهداف به پا خیزند. بنابراین، تحمیل اراده برتر بر اراده عمومی با چنین اهدافی ناسازگار بوده، اراده برتر، در عین برتری، تنها یکی از اراده‌هایی است که برای تحقق این اهداف لازم است. این دلیل عقلی با ادله نقلی نیز هماهنگ است. حق تعالی در قرآن کریم می‌فرماید:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید: ۲۵).

همانا ما پیامبران خود را با بینات فرستادیم و همراه آنان کتاب و میزان را فرود آوردیم تا مردم به عدالت به پا خیزند.

این آیه، به صراحت عموم مردم را مکلف به اقامه عدل می‌کند، نه فقط پیامبران را. درحقیقت، به دلیل مختار بودن انسان، این مشارکت همگانی مستلزم مسئولیت همگانی شرعی و حقوقی است؛ چنان‌که در روایت مشهور نبوی آمده است:

أَلَا كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ فَالْأَمِيرُ عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ فَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَالْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ أَلَا فِكُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ^۱.

آگاه باشید شما همگی پاسدارید و شما همگی درباره زبردست خود مسئولید. پس امیر پاسدار است و همو درباره زبردستانش خود مسئول است. هر مردی پاسدار خانواده‌اش است و همو درباره اهل خانه خود مسئول است و زن در خانواده شوهرش و فرزندانش پاسدار است و همو درباره فرزندان و اهل بیت همسر خود مسئول است. خادم در مال کارفرمایش پاسدار است و

همو درباره آن مال مسئول است. شما همگی پاسدار هستید و شما همگی درباره پاس داشته خود مسئولید.

اصولاً در حکومت ولایی، حاکم اصلی حق تعالی است. چنین حکومتی تنها در صورتی تحقق می‌یابد که هر فردی برپایه توانایی‌هایش در آن مشارکت و قبول مسئولیت کند. بنابراین، اراده برتر تنها اراده فعال نیست، بلکه تنها یکی از اراده‌های فعال است.

۴) استقلال از بیگانگان (کافران و منافقان)

استقلال وجوه متنوعی دارد؛ مانند استغنا از دیگری، یعنی احساس نیاز به دیگری نداشتن، ناچار نبودن به اظهار احتیاج به دیگری، مهارت در اعمال قدرت به گونه‌ای که در بازی قوت‌های دیگر نیفتد و... نبود استقلال در یک اراده، به این معناست که او تحت تأثیر دیگری تصمیم می‌گیرد و چنین اراده‌ای، اراده برتر نمی‌تواند باشد. همچنین، در تعریف استقلال باید دقت کرد. استقلال به معنای انزوا نیست، و نیز به این معنا نیست که به دیگران نیاز نداشته باشیم. این معنا نادرست در قرآن کریم نفی شده است:

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ
رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ (زخرف: ۳۲).

آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟ خود ما معیشت (ابزار زندگی) در زندگی دنیا را در میانشان تقسیم کردیم و برخی را بر برخی دیگر درجاتی بالا بردیم تا برخی از آنان برخی دیگر را به خدمت گیرند، و رحمت پروردگارت بهتر از آن چیزی است که آنان گرد آورند.

استقلال از بیگانه، مفاد قاعده نفی سبیل و دستور صریح قرآن کریم است:

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۲۸).

مؤمنان نباید به جای مؤمنان با کافران هم‌پشت شوند.

در فضای مجازی، استقلال مصادیق متنوعی دارد. از جمله مصادیق مهم در جهت نیل به استقلال در فضای مجازی می‌توان به شبکه ملی اطلاعات، استقلال در سخت افزار، نرم افزار به ویژه نرم افزارهای پایه از جمله سیستم عامل، جست و جوگر، پیام رسان و نرم افزارهای زیرساخت (back end)، سیستم ناوبری (جی پی اس)، بازی و سرگرمی، محتوا، فناوری های مالی و ... اشاره کرد.

با همه اهمیتی که استقلال دارد، اما در مقام تزاخم با برخی ارزش های دیگر، ممکن است ارزش دیگر حاکم باشد. برای نمونه، استقلال در برخی از ابعاد ممکن است چنان هزینه ای ایجاد کند که به ضعف قدرت از ناحیه ای بسیار مهم تر بینجامد یا اینکه امکان ارتباطات بین ملت ها را سلب نماید و با این کار، عملاً قوت امت مؤمن را برای فعالیت در فضای مجازی سلب کند. بنابراین، تعریف حدود استقلال در فضای مجازی، نیازمند نگاهی حکیمانه است.

شبکه ملی اطلاعات از مهم ترین دغدغه های جریان مقاومت برای استقلال در فضای مجازی است. در سال های اخیر اصطلاح «شبکه ملی اطلاعات» در میان سیاست گذاران و فعالان فضای مجازی به تواتر استفاده می شود. در تأسیس شبکه ملی اطلاعات می توان به تجربیات پیشینی استناد کرد؛ چنان که شبکه ملی مخابرات و شبکه ملی تلفن همراه، با استراتژی دریافت هزینه متناسب با سطح خدمات، به صورتی موفق هرگز اجازه تسلط بیگانگان را بر شبکه مخابراتی ایران نداد. برای پذیرش این زیرشبکه به عنوان محصولی مشروع، باید زیرساخت، هدف گذاری و سیاست های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شبکه ملی اطلاعات در راستای سیاست ارتقای «قوت» جامعه و حکومت اسلامی طراحی شده باشد. در این سناریو، هزینه فعالیت کاربران در فضای مجازی به صورت میانگین هزینه درآمد

جابه‌جایی داده‌ها در فضای مجازی محاسبه می‌شود. بدین ترتیب، هزینه کاربران برای فعالیت در سرویس‌های ایرانی و سرویس‌های خارجی متفاوت نخواهد بود؛ درحالی‌که جابه‌جایی درون‌مرزی اطلاعات، هزینه به‌مراتب کمتری بر زیرساخت‌های فضای مجازی تحمیل می‌کند. هرچند امروزه برخی از شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنت به تفاوت در قیمت‌گذاری میان داده‌های برخی سرویس‌های اینترنتی و دیگر سرویس‌ها پرداخته‌اند و گام نخست در این راستا انجام شده است، ولی اثرگذاری‌های بهتر این سیاست، نیازمند سه‌گزاره ذیل است:

۱. جامعیت سیاست‌گذاری محاسبه دقیق هزینه‌ها برای همه سرویس‌ها؛
۲. آگاه‌سازی برخط کاربر از قیمت دیتای در حال استفاده؛
۳. درآمدزایی سرویس‌دهنده‌ها بابت ترافیک اینترنت (انگیزه سرویس‌دهندگان در تغییر سرور به داخل کشور).

از آثار و نتایج این شبکه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. کم‌توان شدن دشمن در دستیابی به کلان‌داده‌های مسلمین؛
 ۲. کم‌توان شدن دشمن در دستیابی کلان به فراداده‌های مسلمین؛
 ۳. کم‌توان شدن دشمن در رصد اطلاعاتی مسلمین؛
 ۴. درآمدزایی و اشتغال‌زایی مسلمین؛
 ۵. جذب کاربران متعصب به تولیدات اسلامی؛
 ۶. استقلال در جریان اینترنت و ناتوانی دشمنان در قطع دسترسی ایرانیان.
- هرچند ممکن است سازمان‌های سیاست‌گذاری، ساختاری غیر از ساختار «هزینه‌مبنا» را در تأسیس شبکه ملی اطلاعات در نظر بگیرند، اما نتایج و آثار سیاست‌گذاری باید به نتایج مثبت فوق بینجامد.

۵) قانون مندی پنهان و استفاده حداقلی از زور (عدم اجبار)

سه نوع قانون در فضای مجازی جریان دارد:

۱. قوانینی که برگرفته از ذات وجودی فضای مجازی است؛ مانند شبکه‌ای بودن، جهانی بودن و ...
۲. قوانینی که نهادهای بیرونی بر ذات وجودی فضای مجازی بار می‌کنند؛ مانند افزایش یا کاهش سرعت و دسترسی آسان یا سخت به برخی محیط‌ها.
۳. قوانینی که با تصویب نهادهای بالادستی بر کاربران فضای مجازی الزام می‌شود.

درواقع، اراده برتر، دو گونه اول از قوانین فضای مجازی را چنان می‌چیند که اراده او محقق شود؛ یعنی از نظر فنی، فضای مجازی را چنان ایجاد می‌کند که اقتضای فعالیت‌های خاصی در آن بیشتر باشد؛ محیط‌ها و محتواهای خاصی را بیشتر در معرض دید قرار دهد و محیط‌ها و محتواهایی را از معرض دید دورتر نماید؛ در عین آزادی عمل و بیانی که پدید می‌آورد، از امنیت داده‌های مناسب بیشتر دفاع کند؛ هزینه‌های فعالیت‌های مطلوب را کمتر کرده، هزینه‌های فعالیت‌های غیرخودی را افزایش دهد. نظیر این کارها فراوان است که می‌توان با پژوهشی مناسب آن‌ها را دریافت.

این نکته با دو آموزه مهم دینی قابل فهم است:

الف) مردم‌سالاری دینی: قوت اراده برتر در سازمان‌دهی اراده‌های زیرین تجلی می‌یابد و قوه قهریه خود یعنی نوع سوم قوانین را تنها در انحراف‌های جزئی از این سازمان‌یافتگی اعمال می‌کند. در ساختار قوت اسلامی، اگرچه اراده‌های زیرین مسخ نشده‌اند و واقعاً آزادی اراده وجود دارد، لیکن ساختار قدرت چنان تنظیم می‌شود که برابری اراده‌های زیرین، صورت تنزیلی اراده برتر باشد و بتوان آن‌ها را به اراده برتر نسبت داد.

ب) توزیع قوت: قوت چنان در فضای مجازی پخش است که دو طرف مؤثر و متأثر از هم قابل تفکیک نیستند. تأثیر قوت ملازم با پذیرش ارادی در طرف مقابل است؛ یعنی طرف مقابل باید با اراده خود آنچه را از ناحیه قوت می‌آید بپذیرد؛ گرچه از وجود قوت یا محل استقرار آن هم بی‌خبر باشد.

۶) انعطاف و پویایی

اراده قوت اسلامی منعطف است، نه صلب، و مهم‌ترین اثر انعطاف در اراده قوت، پویایی آن است. این پویایی جا را برای تحقق اختیار کاربران، امید به تغییر آینده و بهتر ساختن آن و مانند آن‌ها باز می‌کند. دگماتیسم برای تلاش و امید کاربران متعهد به اراده برتر نیز معنایی باقی نمی‌گذارد. روح تحرک و پویایی برای قوت لازم است. درحقیقت ساختار قوت اسلامی، ساختاری ایستا نیست، بلکه ساختاری پویاست.

اثر دیگر انعطاف اراده قوت اسلامی، لحاظ حدود طاقت کاربران در آن است. اراده برتر نباید و نمی‌تواند از حدود طاقت عمومی کاربران و نیز حدود امکانات اجرایی جامعه فراتر باشد. برای نمونه، اراده تحول دفعی در فضایی انسانی، آن فضا را از هم می‌پاشد. بنابراین، برای هر تحولی در فضای مجازی باید زمان کافی در نظر گرفت، اما از این زمان باید پیش‌بینی عقلایی وجود داشته باشد.

این نکته مهم است که انعطاف و پویایی به معنای کوتاه آمدن از مکتب و مواضع استراتژیک و غفلت نیست، بلکه به معنای درک و هماهنگ شدن با شرایط بیرونی است:

یکی از ویژگی‌های ممتاز قانون اساسی، قدرت انعطاف و انطباق با شرایط و تحولات است و برای خروج از معضلات و تنگناها و استفاده بیشتر از نظرات افراد خیره و صاحب‌نظران، راه‌حل‌های عملی ارائه نموده است (۲۰ اسفند ۱۳۷۹).

آیه قرآن می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹). اشداء بر کفار معنایش این نیست که با کفار دائم در حال جنگند. اشداء، شدت، یعنی استحکام، استواری، خورده نشدن. یک فلزی زنگ می‌زند، خورده می‌شود، پوک می‌شود، از بین می‌رود؛ یک فلز هم قرن‌های متمادی که بگذرد، دچار خوردگی و زنگ‌زدگی و پوسیدگی و پوکی نمی‌شود. اشداء یعنی این. شدت یعنی استحکام. استحکام یک وقت در میدان میدان جنگ است، یک جور بروز می‌کند؛ یک وقت در میدان گفت‌وگوی با دشمن است، یک جور بروز می‌کند. شما ببینید پیغمبر در جنگ‌های خود، آنجایی که لازم بود با طرف خود و دشمن خود حرف بزند، چه جوری حرف می‌زند. سرتاپای نقشه پیغمبر استحکام است؛ استوار، یک ذره خلل نیست. در جنگ احزاب پیغمبر با طرف‌های مقابل وارد گفت‌وگو شد، اما چه گفت‌وگویی! تاریخ را بخوانید. اگر جنگ است، با شدت؛ اگر گفت‌وگوست، با شدت؛ اگر تعامل است، با شدت، با استحکام. این معنای «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» است. «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»، یعنی در بین خودشان که هستند، نه؛ اینجا دیگر خاکریز نرم است، انعطاف وجود دارد؛ اینجا دیگر آن شدت و آن صلابت نیست؛ اینجا باید دل داد و دل گرفت؛ اینجا باید با هم با تعاطف رفتار کرد (۹ مرداد ۱۳۸۷).

۷) تاکید بر دانش و فناوری

دانش‌ها ترکیبی از مجموعه‌ای از نظریه‌ها هستند که جامعه علمی آن را با توجه به نیازهای جامعه، برای پاسخ به مجموعه‌ای از نیازهای هم‌بسته و عمومی انسانی گرد

آورده است. با مطالعات فرادانشی می‌توان چند ویژگی غالب را در دانش‌ها یافت. هر دانشی یک پیشینه هویت بخش اگرچه کوتاه مدت دارد و با منطق و مفاهیمی قابل تفهیم و تفاهم تدوین شده است. همچنین، باید توجه داشت که گرچه مطلوب است میان نظریه‌های هر دانشی انسجام وجود داشته باشد، اما واقعیت این است که در هر دانش با نظریه‌های متعارض روبه‌رو می‌شویم. دانشمندان می‌خواهند از مجموعه نظریاتی که می‌آموزند یا خود به آن دست می‌یابند، به دانایی درباره حقیقتی از حقایق عالم برسند. در قرآن کریم و نیز در اغلب روایات، واژه علم به معنای دانایی آمده است، نه به معنای دانش. این دانایی همان است که حق تعالی از آن به «حکمت» تعبیر می‌کند و آن را جزء منت‌های ویژه بر انبیا و اولیا می‌شمارد تا پشتوانه قوت آن‌ها باشد. برای نمونه، درباره حضرت داوود علیه السلام می‌فرماید:

وَأَتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ (بقره: ۲۵۱).

و الله به او سرزمین و حکمت داد و هر آنچه می‌خواست به او آموخت.

و در مقام بیان قاعده‌ای کلی می‌فرماید:

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (بقره: ۲۶۹).

حکمت را به کسی که می‌خواهد، می‌دهد و کسی که به او حکمت داده شده، خیر بسیار به او داده شده است، و جز صاحبان عقل ناب یادآور نمی‌شوند.

فناوری به معنای تصرف در طبیعت و تبدیل آن به صورتی است که در خدمت انسان باشد. گرچه ممکن است وابستگی فناوری‌های بسیط به دانش چندان محکم نباشد، اما وابستگی فناوری‌های پیشرفته به دانش، امری است که هرکس می‌تواند آن را آشکارا ببیند.

جایگاه دانش و فناوری برای قوت در فضای مجازی روشن تر از آن است که به توضیح نیاز داشته باشد. این روایت منسوب به امیرمؤمنان علیه السلام در علوم فنی بیشتر صدق می‌کند تا در علوم بنیادی:

الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالٍ بِهِ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَبِيلَ عَلَيْهِ^۱.

علم قدرت است؛ هرکس بدان دست یابد، غلبه می‌کند و هرکس بدان دست نیابد، زیر دست قرار می‌گیرد.

فناوری پیشرفته غالباً مستلزم تصرفاتی در طبیعت است که بسیاری از آن احتیاط دارند، اما خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً (لقمان: ۲۰).

آیا ندیده‌اید الله آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، برای شما تسخیر کرد و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را بر شما گسترد و تمام کرد؟

اگرچه رفع نیازهای انسان از عالم در بسیاری از مواقع به اختیار او نیست و طبیعت به تسخیر حق تعالی نیازهای انسانی را برمی‌آورد، اما در موارد بسیاری نیز باید طبیعت به تسخیر انسان درآید تا آدمی بتواند از آن در رفع نیازهایش بهره‌برد و این به معنای «فناوری» است. این نکته به معنای جواز اجمالی فناوری است و تفصیل حدود آن، نیازمند مباحث دیگری است.

فناوری فضای مجازی به دو بخش سخت و نرم تقسیم می‌شود، و بخش نرم نیز خود به دو بخش زیرساخت‌های سرویس‌دهندگان و فناوری رسانه‌ای و تبلیغاتی تقسیم می‌شود. ضعف در هریک از سه بخش می‌تواند به زنجش کاربران بینجامد و آن‌ها را به سمت سرویس‌دهنده‌هایی با فناوری برتر سوق دهد؛ حتی اگر این برتری

تنها توهمی ناشی از تبلیغات رسانه‌ای باشد. اثرگذاری فناوری بر توانمندی فضای مجازی را با مثال تشریح سازوکار یک موتور جست‌وجوگر متن‌تبیین می‌کنیم.

از نظر سخت‌افزار، روشن است که جست‌وجوگر وب، نیازمند فهرست کردن داده‌هایی است که می‌خواهد در بین آن‌ها به جست‌وجو پردازد. اگر این فهرست‌سازی در فضایی آفلاین اتفاق نیفتد، هر درخواست جست‌وجو نیازمند میلیون‌ها درخواست به وب‌سرویس‌های مختلف خواهد بود که حتی در صورت تأمین هزینه‌های مربوط به ترافیک داده، زمان زیادی صرف آن خواهد شد و استفاده عملی از آن ناممکن می‌شود. به همین دلیل، جست‌وجوگر نیازمند حجم عظیمی از حافظه‌های سخت است که داده‌ها را ذخیره کند. از سوی دیگر، با توجه به حجم درخواست‌ها و عملیات پردازش از لحظه دریافت درخواست کاربر تا آماده‌سازی خروجی، نیازمند پردازشگرهایی است که بتواند در اوج ترافیک نیز بدون افت کیفیت به پاسخ‌گویی پردازد. از دیگر سو، ذخیره‌سازی داده‌ها بدون نظم‌دهی به آن، نه تنها مقرون به صرفه نیست، بلکه امکان پردازش را نیز از بین می‌برد. برای مثال، با توجه به تعدد جست‌وجوها با موضوع داندلود فلان لغت، آن واژه باید در منابع در دسترس‌تری درمقایسه با دیگر واژه‌ها قرار بگیرد؛ همچنین احتمال جست‌وجوی هم‌زمان این لغت از سوی کاربران مختلف وجود دارد. از این رو، سازوکار جست‌وجو باید چنان تنظیم شود که نه تنها هزینه پردازش را به حداقل برساند، بلکه در کمترین زمان ممکن پاسخ‌گویی کاربران باشد. اما درنهایت، با وجود همه فناوری‌های سخت و زیرساخت‌سازی‌های مقاوم، آنچه کاربران را به تغییر سرویس‌دهنده ترغیب می‌کند، فناوری مدیریت رسانه است که سرزمین کاربران را تثبیت می‌کند یا آن را تغییر می‌دهد. برای نمونه، می‌توان به رقابت میان جست‌وجوگرهای یاهو و گوگل اشاره کرد که در سال‌های گذشته شاهد آن بودیم و سایت یاهو در رقابت رسانه‌ای، کاربران خویش را از دست داد.

۸) اشراف اطلاعاتی

اطلاعات از اسباب مهم قوت است؛ به ویژه در جهان امروز که فضای مجازی در آن گسترش یافته است. اطلاعات، داده‌های معتبر پردازش شده درباره پدیده‌های داخلی و خارجی است که در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌های کلان و خرد و قضاوت مورد توجه اهل سیاست قرار می‌گیرند. با توجه به تعریف قوت اسلامی، محور اطلاعاتی که می‌تواند در قوت مؤثر باشد، دو حوزه است: اطلاعات درباره گروهی که باید اراده آن‌ها به سمت مطلوب ارشاد شود (دوستان و بیگانگان غیردشمن) و اطلاعات درباره گروه‌هایی که باید حرکت آن‌ها را به هم ریخت (دشمنان). اطلاعات هم می‌تواند قوت نفوذ فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی را افزایش دهد؛ البته برای اینکه اطلاعات بتوانند در سببیت برای قوت به درستی عمل کنند، چند نکته مهم است:

۱. اعتبار و کیفیت منابع تولیدکننده اطلاعات: منابع تولید اطلاعات، هم معتبر و هم کافی باشند.
۲. فرایند پردازش اطلاعات: مجموعه عملیات‌هایی که یک اطلاعات را پرمعنا می‌کند.

۳. توزیع اطلاعات: اینکه چه اطلاعاتی به چه کسی از چه راهی برسد.

۴. روش به‌کارگیری اطلاعات که مهارت‌های خاص خود را می‌طلبد.

نسبت میان قوت و اطلاعات، به ویژه در فضای مجازی، نسبتی دوسویه است: اطلاعات قوت می‌آورد و تأمین اطلاعات، نیازمند قوت در فضای مجازی است. استفاده از اطلاعات و نیز جلوگیری از سوءاستفاده از آن، مستلزم سواد رسانه‌ای است. سواد رسانه‌ای مجموعه‌ای از مهارت‌های قابل یادگیری است که فراگیر را در دسترسی، تجزیه و تحلیل و ایجاد انواع پیام‌های رسانه‌ای توانمند می‌کند. این توان را می‌توان در دو قالب تحلیل محتوای اصلی و تحلیل فراداده‌ها تحلیل کرد.

اگر جامعه‌ای توان تحلیل محتوای پیام را فارغ از فراداده‌های آن داشته باشد، می‌تواند در برابر رسانه، گیرنده‌ای نیمه‌فعال بوده، در برابر پیام‌های رسانه، اعم از باورهای مبنایی، سبک زندگی یا اخبار، انتخابی آگاهانه داشته باشد، بایکوت‌های خبری را به خوبی شناسایی کند و همچنین، محتواهایی نامفید را از مفید بسته به تخصص و نیاز شخصی تمییز دهد.

تحلیل فراداده‌ها: داده‌های منتشرشده، گاه حاوی ریزاطلاعاتی هستند که ممکن است از نگاه نویسنده پنهان باشد یا بی‌اهمیت انگاشته شود. برای مثال با تجهیز محتواها به ابزارهای تحلیل احساسات می‌توان تقویمی از احساسات روزانه کاربران به دست آورد و طبق این احساسات، روزهایی را پیش‌بینی کرد که کاربران آسیب‌پذیرتر هستند و عملیات روانی را به روزهای پیش‌بینی شده موکول داشت. تحلیل‌های فراداده‌های حجم، اطلاعات پیچیده بسیاری را به خود اختصاص می‌دهند و تولیدکنندگان مجهز به آشنایی با دانش هوش مصنوعی، می‌توانند با دخیل کردن اختلال‌هایی، تحلیل‌های کلان داده‌ای دشمن را از واقعیت منحرف کنند.

۹) ایجاد عمق استراتژیک (فرامرزی)

یکی از مباحث بسیار مهم در امنیت این است که مرزهای امنیتی بسیار فراتر از مرزهای جغرافیایی اند. اگر ملتی مرز امنیتی خود را فراتر از مرز جغرافیایی نبرد، قطعاً به ذلت گرفتار می‌شود:

این نگاه وسیع جغرافیای مقاومت را از دست ندهید؛ این نگاه فرامرزی را از دست ندهید. قناعت نکنیم به منطقه خودمان: «مَا غَزِيَ قَوْمٌ قَطُّ فِي عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا» این حدیث از معصوم علیه السلام است که آن کسانی که در خانه نشستند تا به آن‌ها حمله بشود، دچار ذلت شدند (۱۰ مهر ۱۳۹۸).

این نگاه فرامرزی از مؤلفه‌های قدرت است:

جمهوری اسلامی از مؤلفه‌های قدرت قطعاً دست نخواهد کشید که یکی از مؤلفه‌های قدرت، نیروی دفاعی است؛ دفاع از دور. یکی از مؤلفه‌های قدرت، نیروی دفاعی است؛ یکی از مؤلفه‌های قدرت، عمق راهبردی ماست. حضور در کشورهای منطقه و طرفداری ملت‌های منطقه از جمهوری اسلامی، عمق راهبردی جمهوری اسلامی است؛ جمهوری اسلامی از این نمی‌تواند صرف نظر کند؛ هیچ دولت عاقلی صرف نظر نمی‌کند (۲ خرداد ۱۳۹۷).

این نگاه در فضای مجازی لوازم خاص خود را دارد که باید مورد توجه باشد. در شرایط امروز فضای مجازی ایران، ایران هیچ مرزی ندارد و بلکه ایرانی اصلاً وجود ندارد. یکی از ابعاد عمق استراتژیک در فضای مجازی البته تنها یکی از ابعاد آن این است که نه تنها اینترنت ملی داشته باشیم، بلکه تأمین‌کننده اینترنت کشورهای دیگر هم باشیم که البته این کار باید ضمن سیاست کلان اتحاد ممالک اسلامی و بسط مرزهای اسلام باشد.

شبکه ملی اطلاعات نمی‌تواند همه اهداف جمهوری اسلامی را تأمین کند. «شبکه ملی» در جذب اتباع دیگر کشورها و نیز توسعه این شبکه به حوزه بین‌المللی محدودیت دارد. تأسیس چنین شبکه‌ای با هجمه گسترده‌ای از سوی رسانه‌های معاند، با حملات ترکیبی روانی و امنیتی و حتی نظامی و اقتصادی مواجه خواهد شد و این نیز می‌تواند محدودیت‌هایی در فعالیت داخلی و بین‌المللی شبکه یادشده پدید آورد. از طرف دیگر، این شبکه با مجموعه‌ای از سخت‌افزارها و تولید و مدیریت نرم‌افزارها همراه خواهد بود که می‌تواند هزینه‌گزافی برای ایران تحمیل کند؛ درحالی‌که در خوش‌بینانه‌ترین حالت، قدرت ایران در فضای مجازی کسری از قدرت آمریکا خواهد شد. هرچند نیل به چنین هدفی خود ارزشمند است و

بسیاری از مشکلات را رفع می‌کند، ولی امروزه مسلمانان، به‌ویژه شیعیان در پی ایجاد تمدن نوین اسلامی هستند.

فضای مجازی ظرفیت‌هایی دارد که با هزینه‌ای بسیار کمتر، قوتی بسیار بالاتر ایجاد می‌کند و عمق استراتژیک بسیار بالایی پدید می‌آورد. یکی از این ظرفیت‌ها، امکان تأسیس سرزمین مجازی است که می‌تواند به‌گونه‌ای توسعه فضای جغرافیایی جمهوری اسلامی در فضای مجازی باشد. ایجاد یک سرزمین در فضای مجازی، مستقل از اموری چون تأسیس شبکه ملی اطلاعات است. برای مثال، سرورهای تور^۱ که شاید واضح‌ترین سرزمین مجازی را تشکیل می‌دهد، سرورهایی که چهارگوشه جهان را دربرمی‌گیرد. حتی تجمیع سرورها در یک منطقه به دلیل هزینه‌های نگهداری ممکن است امکان‌پذیر نباشد. لذا در تشکیل سرزمین مجازی، تمرکز در جغرافیای ملی نه تنها ضرورت ندارد، بلکه می‌تواند مانع نیز به‌شمار آید.

در نگاهی به گذشته، در سده‌های پیشین، بخش بزرگی از زمین، سرزمین‌های حاکمیتی و تمدنی به‌شمار نمی‌آمد و در واقع این مناطق از جهان، ملوک الطوائفی اداره می‌شدند. به نظر می‌رسد جهان مجازی امروزه مشابه جهان آن دوران است. سایت‌ها و سرویس‌دهنده‌های غیریک‌پارچه‌ای که هریک محدوده‌ای برای خود برگزیده‌اند و در آن به حکمرانی مشغول‌اند، ولی جهان به آرامی متوجه وضعیت مشوش، ضعیف و شکننده ملوک الطوائفی شده، ایرادهای آن را درک کرده است و با حرکت به سمت بلوغ، به سمت جامعه‌ای یک‌پارچه‌تر حرکت خواهد کرد که نشانه‌های آن تا حدودی دیده می‌شود و می‌توان سلطه برخی سایت‌ها را به امپراتوری تشبیه کرد. این وضع جدید را می‌توان به تأسیس «سرزمین مجازی» توصیف نمود. «تأسیس سرزمین» به معنای ایجاد حکومت در یک منطقه جغرافیایی بر یک جمعیت است؛ جمعیتی که در آن سرزمین زندگی می‌کنند و تا حد زیادی

۱- تور سامانه‌ای است که برای ناشناس ماندن کاربران در محیط اینترنت به کار می‌رود و نشانی‌های بی‌و برخی دیگر از اطلاعات کاربران را پنهان می‌کند.

آگاهانه یا ناآگاهانه در راستای اهداف حاکم قدم برمی دارند. به نظر می‌رسد امروزه امپراتوری‌هایی هرچند غیررسمی در فضای مجازی ظاهر شده‌اند و سعی در حکمرانی جهان مجازی و حتی حکمرانی فضای حقیقی از طریق فضای مجازی دارند. ابرقدرت این فضا، شرکت گوگل، موفق به میزبانی بخش عظیمی از ارجاعات، کتاب‌ها، صفحات علمی و تخصصی، تبلیغات و گردش‌های مالی در فضای مجازی شده است. این شبه‌امپراتوری چنان قدرتمند عمل می‌کند که حتی ابزارک‌های اندرویدی ایرانی نیز برای ادامه حیات به مهر تأیید گوگل و گردش مالی تأیید شده از سوی این شرکت نیازمندند. در ازای خدمات گوگل و نیز تأمین امنیت سرویس‌هایی که در بسترهای گوگل قرار دارند، کاربران هزینه‌هایی را مستقیم یا غیرمستقیم به گوگل می‌پردازند. این هزینه‌ها را می‌توان به پرداخت مالیات به امپراتوری تشبیه کرد که گاه مستقیم (برداشت سهم حاکمیتی از گوگل ادز) و گاه غیرمستقیم از طریق اهدای داده‌ها و فراداده‌ها به خزانه‌های امپراتور اتفاق می‌افتد. تأسیس سرزمین مجازی می‌تواند با رسمیت بالایی اتفاق بیفتد و حتی با توجه به ظرفیت‌هایی که در فضای مجازی هست، بدون نیاز به هزینه‌های بالا انجام شود. این سرزمین می‌تواند با تجمیع اراده فردی پراکنده بسیار در جهان ذیل نهاد ولایت، اراده عمومی بسیار قدرتمندی پدید آورد که فضای سیاسی فرهنگی و اقتصادی جهان را تغییر دهد.

درواقع، این ایده است که می‌تواند ضریب نفوذ اینترنت را بیشینه کند. زیرا همان‌طور که در تعریف مفهوم قوت گفتیم، قوت اسلامی به دنبال تغییر اراده‌هاست و اهمیت ضریب نفوذ اینترنت، در تبلیغات و اثرگذاری بر افکار و باورهای مردم خود را نشان می‌دهد. از این جهت ضریب نفوذ در تبلیغ جهانی اسلام و جذب تبعه در سرزمین مجازی اسلامی مهم خواهد بود.

۱۰) معنویت‌گرایی (استفاده از نیروهای مومن و متعهد)

معنویت یکی از مهم‌ترین اسباب قوت اسلامی است. اساساً این اصل اساسی که «منبع قوت منحصر در حق تعالی است»، عقلاً تحصیل قوت را ملازم با معنویت قرار می‌دهد. در زندگی سرداران بزرگ اسلام که وجود آن‌ها به اسلام قوت داده است، به سادگی می‌توان این رابطه را دید؛ چنان‌که امیرمؤمنان علیه السلام، بزرگ‌ترین سردار اسلام، معنویت را در اعلالدرجه داشته است. تلازم معنویت و قوت را در سرداران بزرگ انقلاب اسلامی نیز مشاهده می‌کنیم. در واقع، با چنین نگاهی است که آموزه‌هایی مانند «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (آل عمران: ۱۶۰) معنادار می‌شوند. بر همین اساس است که مؤمن، خدا را وکیل خویش می‌گیرد و کار خود را به او می‌سپارد:

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا
وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (آل عمران: ۱۷۳).

کسانی که وقتی مردم به آنان گویند مردم در برابر شما گرد آمده‌اند، پس از آنان بترسید، ایمانشان افزون شده، گویند: الله برای ما کافی است و او بهترین وکیل است.

و به همین دلیل، قرآن کریم ایمان و توکل را عاملی برای قوت در برابر شیطان می‌شمارد:

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * إِنَّمَا سُلْطَانُهُ
عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ (نحل: ۹۹-۱۰۰).

او بر کسانی که ایمان آوردند و بر پروردگارش توکل کردند، سلطه ندارد. او تنها بر کسانی سلطه دارد که از او پیروی کنند و کسانی که به او شرک می‌ورزند.

۱- اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما غالب نخواهد شد؛ و اگر دست از یاری شما بردارد، چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد کرد؟ و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.

در همین چارچوب، دعا از عوامل مهم قوت شمرده می شود و سیره انبیا بوده است. برای نمونه، قرآن کریم می فرماید:

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أفرغ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (بقره: ۲۵۰).

و هنگامی که با جالوت و لشکریانش روبه رو شدند، گفتند: پروردگار ما! بر [دلهای] ما شکیبایی فرو ریز، و گام های ما را استوار گردان، و ما را بر گروه کافران پیروز فرمای.

صبر در کنار نماز است که می تواند مؤمن را به منبع لایزال قوت متصل کند تا او از آن کمک گیرد. حق تعالی می فرماید:

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ (بقره: ۴۵).
و از صبر و نماز کمک بگیرید و همانا نماز جز برای خاشعان سنگین است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (بقره: ۱۵۳).
ای کسانی که ایمان آورده اید! از صبر و نماز کمک بگیرید؛ همانا الله با صابران است.

درواقع، نماز اسباب اتصال به منبع قدرت است و صبر موجب می شود انسان در بحران ها و سختی ها توان تصمیم گیری را از دست ندهد.

۱۱) ایجاد اتحاد اسلامی

تلاش در جهت ایجاد اتحاد رویه در مدیریت و پرهیز از اختلاف، یکی دیگر از اسباب نرم قوت است؛ چنان که حق تعالی می فرماید:

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (انفال: ۴۶).

و از خدا و پیامبرش فرمان ببرید و کشمکش نکنید، که سست می شوید و شوکتتان از میان می رود، و صبر کنید که خداوند با صبرکنندگان است.

پیدایش تعارض میان دو گروه در عقاید، اخلاق و آرمان‌ها، مانع تشکیل ملتی واحد به دست آن‌ها می شود و چنین گروه‌هایی، دیر یا زود از هم جدا خواهند شد. در عرصه فضای مجازی، ناهمخوانی در عقاید و آرمان‌ها معمولاً بروز آشکاری دارد و این امر برای دولت‌ها هزینه سنگین اقتصادی و سیاسی خواهد داشت. در سطح کلان جامعه اسلامی، توسعه عزت ایمانی و قوت الهی امکان‌پذیر نیست، مگر اینکه در جامعه اسلامی «همه با هم» و به صورت منسجم در حفظ هویت اسلامی پرتلاش باشند و «همه با هم» در برابر کفر مجاهده و مبارزه کنند. پیش‌بینی اختلافات عقیدتی پس از رسول الله ﷺ چندان پیچیده نبود و اصحاب خاص نگران این موضوع بودند. بنابراین، هم در آیات قرآنی و هم در روایات رسول خدا ﷺ این نکته مورد توجه قرار گرفته است.

۱۲) ارتقاء کمی و کیفی نیروی انسانی

دستور به تکثیر نسل در روایات بیش از آنکه برای قوت باشد، برای امری اخروی و معنوی است؛ چنان‌که در روایت منسوب به رسول الله ﷺ مشهود است:

تَنَاصَحُوا تَنَاصَلُوا تَكْثُرُوا فَإِنَّ أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ بِالسَّقَطِ!

ازدواج کنید، فرزند بیاورید؛ که من روز قیامت به کثرت شما افتخار می‌کنم؛ گرچه با نوزاد سقط شده باشد.

به هر حال، نسبت میان کثرت جمعیت و قوت امری روشن است و این در آیات قرآنی نیز مورد توجه بوده است:

إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (انفال: ۶۵).

اگر از شما بیست نفر صابر باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر صد نفر از شما باشند، بر هزار نفر از کسانی که کفر ورزیدند، غلبه می‌کنند؛ چون آن‌ها باریک بینی ندارند.

کثرت جمعیت از بیست به صد، توان نظامی مسلمانان را بسیار افزایش می‌دهد، اما حق تعالی در اینجا معیاری کیفی نیز برای کثرت جمعیت برشمرده و آن صبر است.

در فضای مجازی کثرت فعالیت از جهاتی می‌تواند بسیار مفید باشد و از جهاتی آسیب‌زا. این مقاله در پی تبیین این امر نیست، اما سیاست کلی نباید تقلیل فعالان به بهانه ورود نیروهای کیفی باشد، بلکه سیاست کلی باید بر تقویت توان کیفی جمعیت کثیر باشد.

اما چرا نباید سیاست کلی، تقلیل فعالان کثیر در برابر فعال کردن نیروهای کیفی باشد؟ اولین دلیل آن است که در جهان امروز، فضای مجازی فضایی در عرض فضای اجتماعی است و همانند آن، فضایی ارتباطی به شمار می‌آید، ولی با امکانات رؤیایی. همان‌طور که ارتباطات در فضای حقیقی قابل تحدید نیست، فضای مجازی را نیز که به هر حال در اختیار همگان است نمی‌توان محدود کرد. همگان در آن فعال می‌شوند، چه بخواهیم یا نخواهیم. دلیل دوم، اشاره‌ای به روش انبیا در دعوت مناسب است. انبیا در دعوت خود، ضمن تکثیر کمی مؤمنان، به تقویت کیفی مستعدان اقدام می‌کردند. چرا رسول خدا ﷺ به تکثیر جمعیت مؤمنانی پرداخت که بلافاصله پس از او سقیفه را برپا کردند؛ در حالی که می‌توانست در این مدت به تربیت چند ده سلمان و ابوذر پردازد؟ اساساً این نوع نگرش خطاست.

سلمان‌ها و ابوذرها در ضمن آن سیاهی لشکر قابل تربیت‌اند، نه در یک نظام تربیتی پاستوریزه! در زمینه‌ای قابل تربیت‌اند که جمعیت کثیر در سطوح مختلف، با سلايق مختلف و حتی با خرده‌گفتمان‌های مختلف حضور داشته باشند. نیروهای مستعد در برخورد با این جمعیت کثیر خودی نه در زمینه ثابت رویش می‌کنند؛ جمعیتی که قطعاً گروه زیادی از آن‌ها اشتباه و حتی گناه می‌کنند، گروه بسیار دیگری دارای نگاه‌های متفاوت‌اند و گرایش‌هایی به گفتمان‌های مخالف در برخی دیده می‌شود. اساساً جریان‌سازی و تمدن‌سازی با کثرت جمعیت ممکن است. البته همان‌گونه که در فضای واقعی، برخی محیط‌ها برای افراد خاصی است، مثلاً دانشگاه یا صحنه جنگ، در فضای مجازی نیز چنین است، اما همان افراد خاص نیز در ضمن ارتباطات عمومی توانسته‌اند خاص گردند.

این نگاه مستلزم اعتماد خاص به جماعت مؤمن است که شاید برای بسیاری دشوار باشد؛ آن هم در جایی که بسیاری از مؤمنان گرایش به گناه دارند و در زمینه‌های گناه، توانایی چندانی برای خودداری ندارند. برای اینکه اهمیت این نکته روشن شود، به یک روایت اشاره می‌کنیم و سپس تحلیلی جامعه‌شناختی از آن ارائه می‌دهیم. در روایتی معتبر آمده است:

كَانَتْ لِإِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَنَانِيرٌ وَأَرَادَ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى الْيَمَنِ. فَقَالَ إِسْمَاعِيلُ: يَا أَبَتِ إِنَّ فَلَانًا يُرِيدُ الْخُرُوجَ إِلَى الْيَمَنِ وَعِنْدِي كَذَا وَكَذَا دِينَارًا، فَتَرَى أَنْ أَدْفَعَهَا إِلَيْهِ يَبْتَاعُ لِي بِهَا بَضَاعَةً مِنَ الْيَمَنِ؟ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بُنَيَّ أَمَا بَلَغَكَ أَنَّهُ يُشْرَبُ الْخَمْرَ؟ فَقَالَ إِسْمَاعِيلُ: هَكَذَا يَقُولُ النَّاسُ. فَقَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَفْعَلْ. فَعَصَى إِسْمَاعِيلُ أَبَاهُ وَدَفَعَ إِلَيْهِ دَنَانِيرَهُ، فَاسْتَهْلَكَهَا وَلَمْ يَأْتِهِ بِشَيْءٍ مِنْهَا. فَخَرَجَ إِسْمَاعِيلُ وَقُضِيَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَجَّ وَحَجَّ إِسْمَاعِيلُ تِلْكَ السَّنَةَ. فَجَعَلَ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ اجْزِنِي وَأَخْلِفْ عَلَيَّ. فَلَحِقَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَهَمَزَهُ بِيَدِهِ مِنْ خَلْفِهِ؛ فَقَالَ لَهُ: مَهْ يَا بُنَيَّ فَلَا وَاللَّهِ مَا لَكَ عَلَى اللَّهِ [هَذَا] حُجَّةٌ وَلَا لَكَ أَنْ

يَأْجُرْكَ وَلَا يَخْلَفَ عَلَيْكَ وَقَدْ بَلَغَكَ أَنَّهُ يَشْرَبُ الْخَمْرَ فَأَتَمَّتْنَاهُ. فَقَالَ
إِسْمَاعِيلُ: يَا أَبَتِ إِنِّي لَمَأْرَهُ يَشْرَبُ الْخَمْرَ إِنَّمَا سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ. فَقَالَ:
يَا بُنَيَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ
يُصَدِّقُ اللَّهَ وَيُصَدِّقُ لِلْمُؤْمِنِينَ فَإِذَا شَهِدَ عِنْدَكَ الْمُؤْمِنُونَ فَصَدِّقْهُمْ^۱.

اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام مقداری پول داشت. مردی از قریش می خواست به یمن برود. اسماعیل گفت: ای پدر! فلانی می خواهد به یمن برود و من این مقدار پول دارم؛ چه نظری در این باره دارید که من این پول ها را به او بدهم تا از یمن چیزی برایم بخرد؟ امام صادق علیه السلام فرمود: پسرم! مگر نشنیده ای که او شراب می نوشد؟ اسماعیل گفت: مردم این را می گویند (یعنی این از شایعات جاری میان مردم است). امام فرمود: چنین نکن. اسماعیل فرمان حضرت را نشنید و پول هایش را به او داد و او آن ها را حیف و میل کرد و چیزی به دست اسماعیل نرسید. آن سال، هم امام صادق علیه السلام و هم اسماعیل به حج رفتند. اسماعیل دوربیت طواف می کرد و می گفت: خدایا! به من اجر بده و آن را بر من بازگردان. امام صادق علیه السلام خود را به او رساند و از پشت سر وی را گرفت و فرمود: ساکت باش فرزندم! وقتی به تو خبر رسیده بود که او شراب می خورد و تو باز به او اعتماد کردی، به خدا قسم! تو حجتی بر خدا نداری و اجری نزد او نخواهی داشت و او آن را به تو باز نمی گرداند. اسماعیل گفت: ای پدر! من ندیده بودم که او شراب بخورد؛ این تنها شایعه ای میان مردم بود. امام فرمود: ای فرزندم! همانا الله عز و جل در کتابش می فرماید: «به الله ایمان دارد و به مؤمنان ایمان دارد». می گوید

که الله را تصدیق می‌کند و مؤمنان را تصدیق می‌کند؛ پس وقتی تعدادی از مؤمنان نزد تو شهادت دادند، آنان را تصدیق کن.

شایعات از اموری است که خیلی راحت در میان مردم جاری می‌شود و از این نظر، اعتماد به مردم در شایعات چندان موجه نیست؛ آن هم در امری که اثبات آن به چهار شاهد عادل نیاز دارد و کمتر از آن قذف به شمار می‌آید. باین حال، امام صادق علیه السلام در همین مورد اعتماد به آنان را لازم می‌داند. آیه مورد استشهاد حضرت، اشاره به اعتماد بسیار زیاد رسول خدا صلی الله علیه و آله به مؤمنان دارد؛ به حدی که منافقان به ایشان لقب «أُدُن»^۱، به معنای گوش و کنایه از خوش باوری و ساده لوحی داده بودند. این اعتماد راهبردی اساسی است. مقام معظم رهبری نیز در فتوایی راهبردی در اهمیت حریم خصوصی در پیام‌رسان‌ها و سرویس‌های داخلی می‌فرماید:

مسئولان باید امنیت و حریم داخلی مردم و کشور را حفظ کنند. تعرض به امنیت و حریم داخلی مردم «حرام شرعی» است و نباید انجام شود (۲۰ فروردین ۱۳۹۷).

هرچند برخی توجیهات همچون «امروز شرایط اضطرار است»، «فتوا در شرایط تقیه بیان شده است» و... این فتوا را با تفسیر به رأی از مسیر خود خارج می‌کنند، اما آنچه مقام معظم رهبری در فتوای راهبردی فوق ارائه می‌کنند، منطبق بر سیاست اعتماد به مؤمنان، بلکه جذب حداکثری است. ایشان در پی جذب نه فقط قشر خاکستری کاربران ایرانی، که با نگاهی جهانی، در پی ایجاد فضایی امن برای کاربران جهان هستند تا در برابر سازمان‌های امنیتی وحشت‌آفرین بین‌المللی همچون NSA، موساد، GCHQ بریتانیا و... مأمّن و پشتیبان آرامش بخشی داشته باشند و در واقع مرزهای سرزمین مجازی ایران، پذیرای اتباع غیرایرانی باشد.

سیاست جذب حداکثری غیر از سیاست اعتماد به مؤمنان است. در سیاست جذب حداکثری غیر مؤمنان نیز هدف‌اند؛ کاربرانی که از سرزمین‌های غیر اسلامی احساس ناامنی، ناعدالتی، سرخوردگی، نبود آزادی و نبود ارزش‌های اخلاقی دارند،

اما به امنیت، عدالت، تأمین کرامت انسانی، آزادی و ارزش‌های اخلاقی سرزمین اسلامی اعتماد دارند، چه از مؤمنان باشند و چه از غیر مؤمنان. مشروعیت سیاست جذب حداکثری را می‌توان از رفتارهای رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام دریافت. می‌توان این سیاست را به وضوح در رفتارهای رهبر معظم انقلاب اسلامی هم می‌بینیم. بارها دیده شده حتی لیبرال‌مسلم‌ها نیز وقتی احساس خطر کرده‌اند، به وی پناه برده‌اند. در سیاست جذب حداکثری، روح این تلاش باید چنان باشد که نیروهای مجازی متخاصم با سرزمین مجازی اسلامی، بدانند حاکمیت اسلامی از هرگونه تحرک آنان در فضای سایبر آگاه است؛ اما در عین حال، راهی برای تسلط بر مسلمانان احساس نکنند. در فضای مجازی، سیاست جذب حداکثری چهره‌ای دیگر دارد و آن جذب مخالف و حتی خرابکاران است؛ اینکه این دسته نیز در زمین خودی فعالیت کنند. شاید به نظر بیاید که این ادعا با قاعده‌ی حرمت اعانه بر گناه در تعارض است؛ اما یک سیاست بالاتر از این قاعده هست: «از دست ندادن امکان نظارت بر مخالف و خرابکار». اگر مخالف و خرابکار در زمینی دور از نظارت حاکمیت اسلامی باشند، امکان مدیریت آنان بسیار کم خواهد شد. دادن فرصت‌هایی به منافقان در زمان رسول خدا ﷺ و به کسانی مانند اشعث و زیاد در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام را می‌توان در راستای این سیاست ارزیابی کرد. بنابراین، با توجه به نیاز روزافزون به تحلیل‌های کلان‌داده‌ای، باید سازوکاری به دست دانشگاهیان طراحی شود که در عین غیرقابل دسترس بودن داده‌های تبادل شده در «زمین خودی»، امکان تحلیل کلان آن‌ها وجود داشته باشد تا سیاست‌گذاران ملی بتوانند از راهنمایی‌های آن استفاده کنند. نظام اسلامی افزون بر رعایت حریم خصوصی حتی به قیمت از دست دادن بخش عظیمی از داده‌ها موظف است روش‌های مختلف گردآوری اطلاعات، اعم

۱- رمزنگاری هومئومورفیک مقدمات چنین راهکارهایی را ارائه می‌دهد. این روندهای رمزنگاری باید چنان پیشرفت کنند که بتوانند اهداف عالی نظام اسلامی را از حفظ حریم خصوصی از اتباع مجازی خود تأمین کنند و تحلیل کلان‌داده‌ای نیز در اختیار مسئولان امر قرار دهد.

از هیومینت،^۱ سیگینت،^۲ گئوینت^۳ و... را علیه قدرت‌های متخاصم به عنوان بازوی امنیتی حاکمیت اسلامی با تمام قدرت اجرایی کند. این داده‌ها پس از گردآوری و پردازش، در اختیار نهادهای امنیتی قرار بگیرد و تلاش کنند هرگونه تحرک خارج از سرزمین‌های اسلامی (سرزمین مجازی اسلامی) را زیر رادارهای (نهادهای اطلاعاتی) حاکمیت اسلامی زیر نظر قرار دهند.

شاید به نظر برسد این شیوه که مستلزم توسعه ابزارهای رمزآرشی^۴ است، محل امنیت و تضعیف‌کننده قوت باشد، اما نگاهی به تجربه کشورهای دیگر، خلاف این مسئله را نشان می‌دهد. بسیاری از کشورها قوانینی محدودکننده در شنود اتباع خویش دارند و شنود را نیازمند حکم دادگاه می‌دانند. حتی برخی کشورها برای از بین بردن امکان شنود اتباع خویش و بیگانه، از سوی دولت خود یا دولت‌های دیگر، سرویس‌های گمنامی مانند^۵ Tor (ایالات متحده)،^۶ JondoNym (آلمان)،^۷ TunnelBear (کانادا) و... را راه‌اندازی کرده‌اند. این سرویس‌های متن‌باز و ایمن (غیرقابل شنود) به اتباع آن‌ها این اطمینان را می‌دهد که نه تنها محتوای ارتباط، بلکه حتی مخاطبان آن‌ها محرمانه باقی می‌مانند. با این حال، در برخی از همین کشورها، رویکرد متناقضی نیز دیده می‌شود. آمریکا به همراه نیوزیلند، استرالیا، انگلستان و کانادا، اتحادیه‌ای اطلاعاتی موسوم به پنج چشم (Five Eyes) را تشکیل می‌دهند که مهم‌ترین وظیفه آن، شنود جهانی حتی در کشورهای عضو اتحادیه است. تشکیل نهادهای جاسوسی از ملت و مسئولان خود، به این پنج کشور محدود نیست و حکومت‌های دیگری نیز چنین فعالیت‌هایی را انجام داده‌اند. گرچه کشورهای پنج چشم، به علت افشای

۱- ورود یک جاسوس به صحنه عملیات.

۲- گردآوری اطلاعات از منابع رایگان مانند اوسینت است که به دریافت، تحلیل و پردازش هر سیگنال و فرکانسی که در هوا پراکنده است، می‌پردازد و با فیلترهای مشخصی که دارد، به اهداف مدنظر دست پیدا می‌کند.

۳- اطلاعات جغرافیایی (GEOINT) از عکسهای ماهواره‌ای و هوایی یا داده‌های نقشه برداری / زمین جمع‌آوری شده است.

۴- رمزآرشی: استفاده از ترفند‌های رمزنگاری جهت پیشبرد اهداف آنالیزستی را رمزآرشی می‌گویند. در رمزآرشی دولت و مراکز قدرت در جایگاه مهاجم شناخته می‌شود و سعی می‌شود نهاد‌های قدرت در پیشبرد اهداف خود ناتوان شوند.

5- [https://en.wikipedia.org/wiki/Tor_\(anonymity_network\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Tor_(anonymity_network))

6- https://en.wikipedia.org/wiki/Java_Anon_Proxy

7- <https://en.wikipedia.org/wiki/TunnelBear>

جاسوسی هایشان، گرفتار مشکلاتی شده‌اند، اما به دلایل مختلف توانسته‌اند خود را به عنوان پرچم‌دار آزادی معرفی کنند. برای نمونه، طراحی ادبیات امنیت، حریم خصوصی و پاسداری از آن در فضای مجازی ازسوی آمریکا و هم‌پیمانان او، در یک نمایش پیچیده که تنها یکی از ابعاد آن حمایت از ابزارهای رمزآنا‌رشیستی و سلب قدرت رصد از خود بود، توانست حمایت جامعه علمی و تخصصی رادر جهان جلب کند. بدین ترتیب دانشگاهیان، پژوهشگران و متخصصان، به‌رایگان پژوهش‌ها و فعالیت‌های گسترده علمی رادر راستای تحقق اهداف این کشورها انجام داده، نتیجه تحقیقاتشان را با افتخار، به‌رایگان در اختیار «پاسداران امنیت و حریم خصوصی» جهانیان قرار می‌دهند. آنچه را این دولت‌ها در قبال این سیاست‌گذاری‌ها به دست آورده‌اند، می‌توان در بندهای زیر عنوان کرد:

۱. مدیریت فضای رسانه‌ای و تبلیغات به عنوان حامیان آزادی بیان ازسوی حکومت‌های متبوع خود. این سیاست‌گذاری چنان قوی بوده که استانداردهای NSA (مرکز امنیت ملی آمریکا) مقبول جهانیان قرار می‌گیرد. این در حالی است که این مرکز در ارائه استانداردها و امنیت‌ها خیانت کرده است.^۱
۲. جرم‌افزایی در کشورهای رقیب با ناتوان‌سازی دولت‌ها از رصد اطلاعاتی مجرمان. ابزارهای گمنام مختلف که اعضای پنج چشم طراحی کرده‌اند، در کشورهای دیگر و حتی کشورهای خود آن‌ها به بستر جرم‌افزایی مبدل شده است.
۳. طراحی «میدان بازی» آمریکایی برای کاربران از سرتاسر جهان. ابزار tor در سال ۲۰۲۰ تا سقف ۲۵۰ هزار نفر کاربر در یک روز جذب کرده است. این ابزار با حمایت نیروهای نظامی آمریکا طراحی شده و هدف آن، ممانعت از شنود کاربران ازسوی دولت‌هاست.
۴. جلوگیری از خروج دیتا از کشورهای متبوع خود، حتی به نفع هم‌پیمان‌های خویش.

۱- برای مثال رمزنگاری DES که مورد تأیید این مرکز بود، تنها ۵۶ بیت امنیت داشت که حتی طبق استانداردهای وقت این مرکز نیز ناامن به‌شمار می‌آمد.

بنابراین، آزادی‌های از جنس ابزارهای رمزآرشیسم در صورتی که کنترل شده باشند، می‌توانند در تقویت جامعه کمک شایانی کنند.

نتیجه‌گیری

فضای مجازی عرصه‌ای است که ظرفیت بروز تهدیدهای فراوانی دارد و از سوی دیگر، عرصه‌ای جدید برای فعالیت‌های انسانی است. هم تهدیدهای یادشده و هم نظام‌بخشی به فعالیت‌های کاربران و سرویس‌دهندگان، نیازمند قوت در فضای مجازی است. این قوت با توانایی تغییر اراده‌ها و جهت‌دهی به آن‌ها به سمت مقاصد عالیه شریعت است که بدون توجه به الزامات آن و نیز بدون در اختیار گرفتن اسباب نرم و سخت آن، ممکن نخواهد شد.

گرچه این مقاله، به مبانی عقلانی و وحیانی قوت در فضای مجازی پرداخت، اما احتمالاً مسئله‌ای جزئی از آن بیشتر مورد توجه قرار گیرد و آن، اشاره به برخی ظرفیت‌های فضای مجازی است. فضای مجازی ظرفیت قوت بالایی دارد؛ حتی برای کسی که در فضای واقعی فرصت عرض‌اندام ندارد. این فضا ظرفیت‌های نهفته‌ای دارد که هرکس ابتدا آن‌ها را در دست بگیرد، در حکمرانی فضای مجازی دست‌پیش‌را خواهد داشت. شاید مهم‌ترین این ظرفیت‌ها، ظرفیت ایجاد سرزمین مجازی و توسعه سیاسی در فضای مجازی باشد. این مفهوم، مفهومی جدید است، اما به نظر می‌رسد بتواند در تحقق بسیاری از سیاست‌های کلان شرعی راهگشا باشد؛ به‌ویژه از الزامات قوت در فضای مجازی، ایجاد عمق استراتژیک است و تأسیس سرزمین مجازی، ظرفیت لازم و کافی را برای این کار دارد.

به‌هرحال، این مقاله، ظرفیت‌هایی را برای تحقیقات آینده معرفی کرده است و می‌تواند برای علاقه‌مندان به ادامه این تحقیق انگیزه‌بخش باشد.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغة، تصحيح صبحي صالح.
- آمدی، عبد الواحد بن محمد تمیمی، تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، تحقيق مصطفى درایتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶.
- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، تحقيق ابراهيم محمد ابوالفضل، قم، الحب العلمية، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴/۱۳۶۳ق.
- ابوترابی، علی، نقد ملاک های بهنجاری در روان شناسی با نگرش به منابع اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ثقة الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تعليق و مقدمه علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- حایری یزدی، مهدی، هرم هستی؛ تحلیلی از مبادی هستی شناسی تطبیقی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۱.
- حسنی، ابوالحسن، حکمت سیاسی متعالیه، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- سخنرانی های مقام معظم رهبری در: ۱۸ خرداد ۱۳۶۸، ۷ تیر ۱۳۶۹، ۲۳ شهریور ۱۳۸۶ و ۳ فروردین ۱۳۹۹.
- شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، نجف، مطبعة حیدریه، چاپ اول، بی تا.
- شولتز، دوان و سیدنی الین دوان، نظریه های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، نشر ویرایش، چاپ بیست و یکم، ۱۳۹۱.
- صدوقی، مراد علی، تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ سوم ۱۳۸۴.
- وزّام بن ابي فراس، ابو الحسنین، تنبيه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة وزّام، قم، مکتبه فقیهه، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

[https://en.wikipedia.org/wiki/Tor_\(anonymity_network\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Tor_(anonymity_network))

https://en.wikipedia.org/wiki/Java_Anon_Proxy

<https://en.wikipedia.org/wiki/TunnelBear>